

گاهها

یا

سرودهای آسمانی زرتشت

برگردان به فارسی روان

لقلم : موبد فیروز اذکسب

مهرماه یکم آرزو سیصد و شصت هجری شمسی

نخا : علاءعلی عطارچیان

حق چاپ محفوظ و مخصوص نویسنده است

با سرمایه دانش‌گستر
بنامگانه خدایار جهانبخش مزدیسنا
از سوی انتشارات فروهر به چاپ رسید

اوستا. یسنا. گاهان. فارسی
گاتها، یا سرودهای آسمانی زرتشت / برگردان به فارسی روان به قلم فیروز آذرگشسب؛ بخط
غلامعلی عطارچیان. - [تهران]: فروهر ۱۳۷۸.
ص. ۱۰۸

ISBN 964-6320-07-4

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
چاپ دوم.

۱. اوستا. یسنا. گاهان. فارسی. ۲. شعر اوستایی - ترجمه شده به فارسی. الف. آذرگشسب فیروز،
مترجم. ب. عطارچیان، غلامعلی، خطاط. ج. عنوان: سرودهای آسمانی زرتشت.
PIR۴۷۳
۲۹۵/۸۲
کتابخانه ملی ایران
الف ۱۳۷۸
۱۲۵۸۰ - ۷۸ م



موسسه فرهنگی و انتشاراتی فروهر

گاتها یا سرودهای آسمانی زرتشت

موسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر

خیابان انقلاب - فلسطین جنوبی - شماره ۶

کدپستی ۱۳۱۵۷ - تلفن ۶۴۶۲۷۰۴

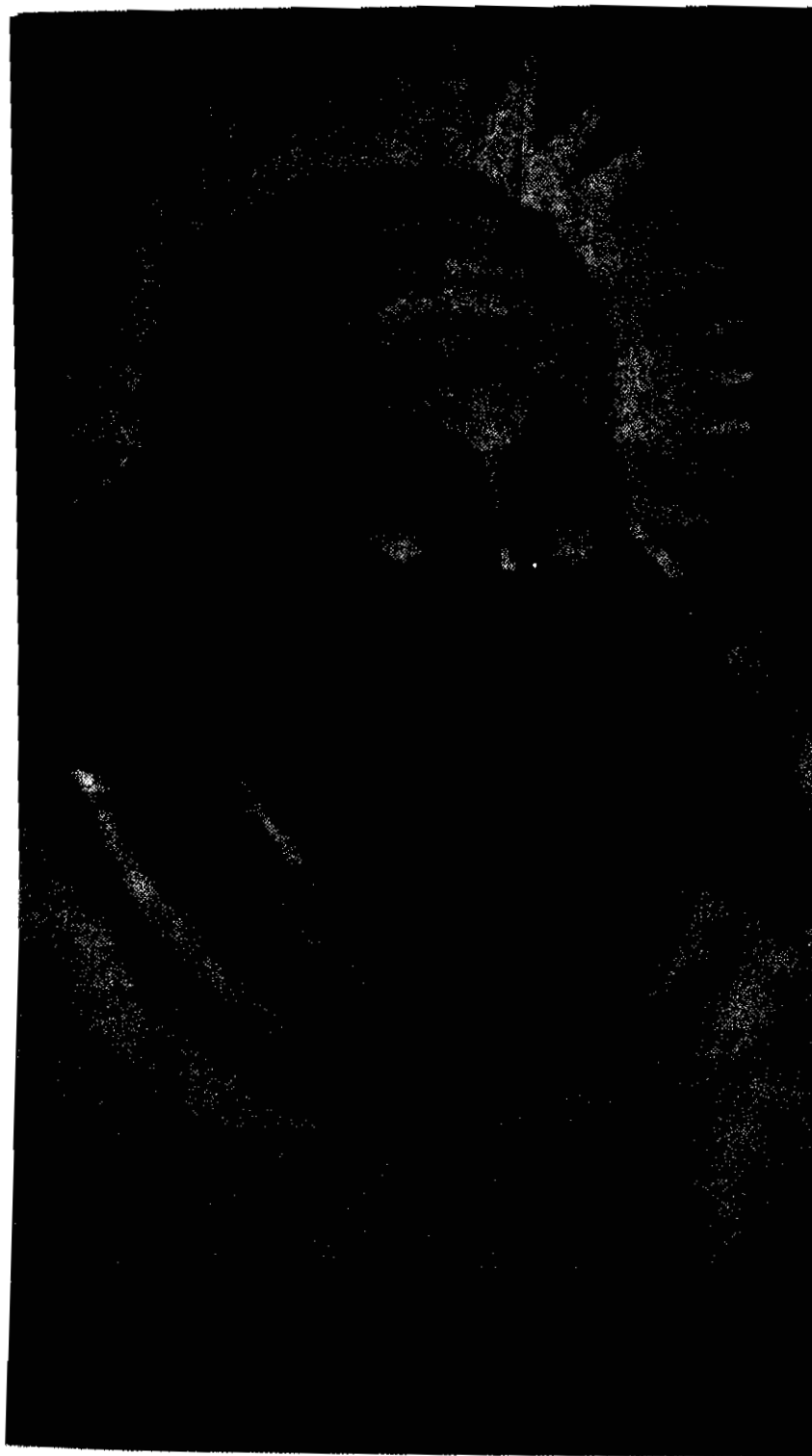
برگردان به فارسی: موبد فیروز آذرگشسب

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: شرکت چاپ خواجه

چاپ دوم: ۱۳۷۹

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

شابک ۹۶۴-۶۳۲۰-۰۷-۴ I.S.B.N: 964 - 6320 - 07- 4



فهرست مطالب کاتهای اسرودهای آسمانی زرتشت با ذکر نامهای فصلها

حکات ها	هات ها	شدهاها	شدها بندها	ذکر صفحه ها
ایهودکات	ازات ۲۸ تا ۳۴ « ۱۷ ات یصل »	۷ ات یصل	۱۱ بند + یک بند غیر عادی	از ۲۸ تا ۶۱
اشتودکات	ازات ۴۳ تا ۴۶	۳ ات یصل	۶۶ بند	۲۲ تا ۸۵
سپنتهدکات	ازات ۴۷ تا ۵۰	۴ ات یصل	۴۱ بند	۸۶ تا ۹۷
دهوخشترکات	ات ۵۱	نقطه ۱ ات یصل	۲۲ بند	۹۸ تا ۱۰۴
دهیشترکات	ات ۵۲	نقطه ۱ ات یصل	۹ بند	۱۰۵ تا ۱۰۸
		جمع ۱۴۸ بند اضافه میکنند سرافاز		پیش تقارار صفحه ۱ تا صفحه ۲۷

پیش‌گفتار

نظر باینکه جمله اول و دوم گاتا، سرودهای آسمانی از رشتت که نگارنده برای ترجمه آنها سالهای بسیار رنج برده ام کتابهای قطور و گران قیمتی هستند که خرید آنها برای همه علاقمندان امکان پذیر نیست و از آنجا که اطلاع و آگاهی از متون سرودهای مذکور و بکار بردن دستورهای اخلاقی و آموزشهای سودمند و خورشید بزرگ ایران در زندگی نه فقط برای افراد رزقش بلور خاص بلکه برای تمام مردم جهان بطور اعم بسیار واجب است بنا بر این بر آن شدم که تنها ترجمه کامل آنرا همده ات فصل، گاتا را یکجا در این کتاب آورده و آزاد دسترس علاقمندان قرار دهم باشد که لذت این راه خواننده گان محترم بی محتوای سرودهای آسمانی رزقش برده، درس زندگی و نهایتاً از آن آموخته، در ساختن جهانی آباد و آزاد و پیشرفته بجدیت و کوشش پردازند و در تأمین شخصی و آسایش بشر ممت کارند.

ضمناً برای آنکه خواننده گان از مفهوم گاتا و سبب جات آن همچنین از سراینده آنها اطلاعی داشته باشند سعی خواهد شد بطور مختصر و فشرده در زیر آورده شود.

گاتا از لحاظ مفهوم معنی سرودهای آسمانی است و با واژه گیتا که سرودهای مقدس هند است مترادف میباشد. گاتا دارای همده ات فصل میباشد که چون گنجی در میان نخستین قرار داده شده است و پنج بخش تقسیم گشته است که عبارتند از: آهنگ - نشود - سپند، و خوشتر و همیشه ایش کات.

آهنگات از بت ۲۸ یسا شروع و تا بت ۳۴ ادامه دارد، جمعاً هفت فصل بوده و بنام
 یشت گاوان نیز معروفست که معمولاً هنگام انجام مراسم پرستش «ختم» توسط موبد خوانده میشود.
 اَشودکات دارای چهار فصل بوده از بت ۴۲ یسا شروع و به بت ۴۶ خاتمه میابد
 سَپتَمه کات نیز دارای ۴ فصل میباشد که از بت ۴۷ یسا شروع و بت ۵۰ خاتمه میابد.
 دَهوشتر و دَهوشتر ایت کات هر یک دارای یک فصل میباشد که بت ۵۱ یسا را دَهوشتر و بت

۵۳ راد هیتوا ایت یساند

کاتا با زبان اوستائی بسیار کهن سروده شده از لحاظ قدمت با ریکت وید هند و برای درسخان دانشور یساند
 هر گاه بتوانیم زمان کاتا با را تعیین کنیم، زمان اشور زشت سرزیده این سرود همی نظر را
 نیز میتوان تعیین کرد، تا شناخته بانوخته شدن کاتا با به مظهر شاهی در تخت جمشید بدست اسکندر مقدونی و از
 بین فتن با تمانده مارک دینی زرتشتیان در حملات اعراب و یورش و هجوم قوم منول این سرزمین، امروز
 مدرک و ماخذی که بتوانیم تاریخ زرتشت و کاتا با را بطور دقیق بیابیم در دست نیست، بهین علت راجع به سیر
 ایران تا بحال عقاید و نظرات مختلفی ابراز شده است که از بین آنها راجع به سن نظری بحث خواهیم کرد.
 نظریه اول تاریخ سنتی است که زمان زرتشت را سیصد سال قبل از حمله اسکندر به ایران یا
 حدود قرن ششم میلادی دانسته است، ولی این نظریه امروز بکلی مردود و شناخته شده است
 بعلاوه اینکه زبان اوستائی کاتا با با فرس باستان پنجمنشی یکگونه شباهتی ندارد و از آن

که نشسته بچکد ام از شاهان نجاشی ذکر می از نام پیر ایران کرده اند .

بعلاوه کتاب کیانی یاد پشیمان شور زشت پادشاهی مقدر و نیر و مند بود در صورتیکه
کتاب نجاشی که در حدود قرن ششم بم، نیریت، پدر داریوش بزرگ و فرمانروای کوچکی میس نمود
و تقریباً بطور گمنام زندگی میکرده است چنانکه داریوش در سنگنوشته خود هیچ عنوانی برای پدرش
بشماپ قائل نشده است ولی خود را شاه شاهان میابد .

نظریه دوم گفته های مورخین یونان است که زمان زرتشت را حدود شش هزار سال قبل از میلاد
ذکر کرده اند، این نظریه نیز بعقت فقدان مدارک مستند و کافی طرفداران زیادی ندارد .

نظریه سوم عقیده اوستا شناسان دانشمندی است که زمان اشور زرتشت را یک هزار تا
یک هزار و هفتصد و پنجاه سال قبل از میلاد دانسته اند یعنی زمان زرتشت را کمی پانزدهمین تا شانزدهمین
ریکت بدشمرده اند ولی درین اوستا شناسان تنها نظریه پر وفور میسر که کمال اهمیت را در
برای اطلاع خوانندگان در زیر نقل میاید .

سالها پیش تصور میگردم زمان پیر ایران نباید بیش از یک هزار و پانصد سال قبل از میلاد باشد
ولی بعداً در اثر مطالعه زیاد توجه شدم که هر چند زمان زرتشت را از ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد
هم عقب تر سر هم منطقی تر خواهد بود زیرا هر گاه زبان گائانام را قبل از پرتش مهر بدانیم میوانیم این
کتاب آسمانی را کهن ترین مجموعه خطی بدانیم که با رسیده است؛ ولی با توجه بکلیه حقایق

مخصوصاً تاریخ گذشته ایران و تفسیراتی که در زبان آریائی چشم میخورد و عدم وجود مهر و موم در گاتاها و دوازدهمی که در اوستای متأخر و رگیدیشترک بوده و تفصیل از آنها بحث شده نشان میدهد که سالیان بسیار بسیار درازی طول کشیده است تا کیشی که خالی از هرگونه موهوم و خرافات و تعصب آلودگی بود نازل کرده و بصورتی درآید که در مهرپرستی آئین هوم رواج داشت بطور مسلم و بدون تردید ایزدان مشترکی که در دیشت با رگیدیشترک مذکور شده اند بسیار کمین میباشند و اگر زمان گاتاها را قبل از پرستش ایزدان مذکور بدانیم چون در متن سرودها هیچ ذکر می از آنها نشده است پس تاریخی برای قدمت گاتاها نمیتوان تعیین کرد.

صنایع و فنون راپسین آشنند آلمانی در این مورد می نویسد :

در سراسر گاتاها با وجود اینکه بیش از ۲۰۰ بار از خداوند یکجا نام برده شده است اغلب بصورت فردا اهورا و یا بصورت تعلیقی فردا و اهورا می باشد در صورتیکه در شکوخته های منشی همیشه نام خداوند جان و فرود، اورمزد و اهورا مذکور شده است و این موضوع نشان میدهد سالیان دراز و با حقیقت گذشت چند هزار سال لازم بوده است تا نامی را که مورد توجه و استفاده همگان بوده و هر روز مردم از آن یاد میکردند آنقدر تغییر شکل و ماهیت بدین معنی از صورت فردا اهورا بشکل اهورا و اورمزد درآید.

تحول زبان بشکل فردا و خلی بدرت آنهم بعد از گذشت قرن ها امکان پذیر است.

با توجه به نظریه پرودور راپس و پرودور سیلز و تفسیر این دو عقیده با هم، می‌توان گفت زمان اثر
 زرتشت و گاتانا در حدود دو سه هزار تا ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد بوده است. در حال شور زرتشت
 به بر زمان مکان محیطی تعلق داشته باشد مایه افتخار ایران و سرزمینی ایرانیان است زیرا
 اولین آموزگار و رهبری بود که بشیر را بسوی یکپارستی درستی ارشاد فرمود و در نیمه دوم با هم سخن خواهیم گفت
 اما گاتانا بهمانطور که در بالا ذکر کردید دارای مفهومی صمدی بوده و هر کدام از مکاتبات دارای در
 و اجتناب بخصوصی است که بدون کم و کاست به دست ما رسیده از دست حوادث روزگار این
 مانده است علت آن نیز به نظم بودن این سرودهاست که بهتر در حافظه مانده است.
 برخی از گاتانا دارای سه مصراع ۱۶ سیلابی و ۴۸ سیلابی و برخی هم دارای شش مصراع
 دوازده و هشت بجایی می‌باشند.

بطور مختصر می‌توان گفت کمترین، نغزترین، پر مغزترین، اندیشه بر انگیزترین، والا ترین
 مطنن ترین بخش اوستایی را گاتانا تشکیل میدهند.

اکنون بیسینیم گاتانا را به چهار موضوعی بحث می‌کنیم. مهم‌ترین و عمده ترین بخش گاتانا
 به یکپارستی، طرز شناخت پروردگار بکتباد و توضیحاتی راجع به مزد او، هورا، هسی بخش بکتباد و اناورا
 رسیدن به او اختصاص داده شده است. در گاتانا با صراحت تمام شور زرتشت را نخستین آموزگار
 بشیر و بشیر یکپارستی مطلق می‌شناسد و چنانکه در بند نهم از ۴۶ اشود مکاتبت می‌بینیم:

یکیت آن را مرد بزرگ و نخستین آموزگاری که با آموختن تو را ای پروردگار شایسته ترین

ذات مورد ستایش بشناسیم و ترا در پاک کردار ما و سرور راستی بخوانیم»

بطور مسلم این را مرد بزرگ کسی که جزو خورشید بزرگ ایران نباشد که در ۳۵۰۰ سال قبل از

سیلاد برای ارشاد بشر بسوی یکتاشناسی برانگیخته شد. در زمانی که موبهوم و خرافات جاهل و نادانی

سراسر ایران را فرا گرفته بود و خدایان پنداری بیشتر مورد توجه و احترام بودند و نیاز ما و فدیهای

خونین برای جلب ضاییت آنها انجام میشد، اشوزرتشت مردم را به پرستش یکتا خداوند بهیبتا و

و آفریننده کاینات دعوت فرموده تنها او یعنی ابورمزدا هستی بخش دانای بزرگ یا خداوند

جان و خرد را سزاوار ستایش و پرستش میگرد و در بند ۱۱ از باب ۴۴ یسنا چنین فرمود :

«... پروردگار امیدم که تو مرا برای انجام این کار بزرگ بعنوان نخستین آموزگار برگزیده»

اشوزرتشت بعنوان نخستین آموزگار بشر برای ارشاد مردم بسوی یکتاشناسی در آستی برگزیده شده است

و خود را موظف میداند تا در انجام این کار بزرگ که جز ارشاد و رهبری مردم جهان چیز دیگری نیست

فتمای کوشش خود را بنجامد.

در تأیید این گفتار که اشوزرتشت اولین آموزگار و مبشر یکتا پرستی در جهان بوده است»

بند سوم از باب ۲۸ اهنود گات میخوانیم :

« ای هستی بخش دانا، ای اشادای و همون (مظاهر راستی پاک) اندیشه نیکت

«مهرورزی مردم، اکنون سرودانی میسریم که پیش از این کسی نسوده است»

همچنین در بند اول از باب ۳۱ نیسان آمده است که :

«ای جویندگان دانش! اکنون آموزشها و پیام‌انی را که تا بحال شنیده نشده است
برای شما آشکار خواهیم ساخت»

این دو بند خوبی نشان میدهد که قبل از آشور رشت کسی بعنوان آموزگار و رهبر بشر ظهور
نکرده بوده است .

ضمناً برای شناخت پروردگارتی میفرماید بیدیه دل رجوع کنید زیرافهم و درک خداوند چنانکه از
راه اندیشه امکان پذیر نیست چنانکه در بند هشتم از باب ۳۱ نیسان آمده است :

«ای خداوند جان و خرد بخشای که در اندیشه خود ترا سر آغاز و سرانجام هستی شناختم با تو
دل در یافتیم که تویی سرچشمه منش پاک که تویی آفریننده راستی و اوردادگری که کردار مردمان
جهان را داور می کنی»

و در مابین این موضوع باز در بند هشتم از باب ۴۵ استودگات میفرماید :

«چون اهورمزدارا بادیده دل دیده ام کوشش خواهم کرد با سرودهای ستایش تو بخش را
بسوی خود جلب کنم ، با اندیشه و گفتار و کردار نیک و در پروردگاری و درستی در یافتیم که اهورمزدا ،
هستی بخش دانا و پروردگارتی است ، بنا بر این نیایش قلبی و ستایش خود را بسیار گاه پیش نیانم»

در این بند با کمال روشنی اشوزتشت امروزه در آستانه‌ی محبت دانا و پروردگار نیانسته
و او را سزاوار نیایش و ستایش قلبی میداند .

برابر اشوزتشت و کلمات ۴۴ اشوزتشت بطور شاعرانه امروزه در آفریننده زمین
آسمان و آب و گیاه و حیوان و انسان و خورشید و ماه و ستارگان کرات درخشان آسمان نیسته
و او را آفریننده کلیه کاینات و همه هستی با میانسند و تناسل و استیسا و پرستش می شمارد .

صفاقی که در کاتانا برای خدا آمده است عبارتند از : ازلی و ابدی ، سرآغاز و سرانجام
همچیز ، بالاتر و برتر از همه ، فروغ بی پایان ، روح محض ، همیشه حاضر و ناظر بر اعمال نیکان
خویش بخشنده و بخشاینگرد و مهربان ، تغییرناپذیر و جاودان ، از همه چیز آگاه و دانا ، توانا بر همه کارها
تیزبین و دوربین ، بدون شریک و بی‌همتا ، فریفته نشدنی ، پروردگاری دوستی مهربان و مبینی .

نکته ای که در کاتانا بدان اشارات مکرر شده است الهامی بودن سخنان اشوزتشت از
جانب امروزه و می باشد امید است کسانی که نا آگاهانه و خستور بزرگ ایران را فیلسوفی بیش
نیدانند بهار و زیر توجه نمایند .

در سرآغاز اشوزتشت کلمات چنین آمده است : « سرسرازمندیش و مختار و کردار اشوزتشت
الهامی است از سوی خدا و می‌تواند که انسان را بسوی رسانی و خوشبختی را بهمانی میکند . »

و در بند ۱۱ از ۲۸ نیاسیفر ماید :

«ای آفریننده بزرگ و دانا از راه حس و بینش و الهام دانه پدید آمدن آفرینش را از روی
ازل بمن بیاور تا حقیقت را بر مردم جهان آشکار سازم.»

در رابطه با الهامی بودن سخنان اشوورتشت در کاتاناها اشارات زیادی شده است که
نکارنده یک مورد دیگر را ذکر و سپس توجه خوانندگان محترم را بنحایت دیگری که جنبه اخلاقی و
حیاتی دارند مطرف خواهم ساخت.

در بند سوم از هات ۳۱ «... ای خداوند خدو مرا از تمام این حقایق
آگاه و باگفتار الهام بخش خود مرار و مرناتما همه مردم را با این راستی ارشاد کنم.»

یکی از مواردیکه کاتاناها بر آن تاکید بسیار دارد و از اصول مهم کیش فردینا بنا بر سیاید
موضوع آزادی افراد در خستیار راه نیک بدوگرنش دین خود می باشد چنانچه در بند دوم از
هات ۳۰ اینودکات چنین آمده است :

« ای مردم بهترین سخنان را بگوشش بشنوید و با اندیشه ای روشن و ژرف بینی آنها را
بررسی کنید، هر مرد و زن راه نیک و بد را شخصاً برگزینید، پیش از فرارسیدن روز پسین
همه پانخیزید و دستکش آیین راستی بکشید.»

و باز در بند ۱۱ از هات ۳۱ در همین مورد میفرماید :

« ای خداوند خدو هنگامی که در روز ازل جسم و جان آفریدی از منش خویش خردی از یسیدن

و غر و خبشیدی، زمانی که بتن خاکی روان میدی و بانسان نیروی کار کردن سخن گفتن و بهی
کردن عنایت فرمودی خواستی تا هر کس بدخواه و باکمال آزادی کیش خود را برگزیند»

سلم است با وجود چنین آزادی افراد در مقابل عمل نیک و بد خود مسئول بوده و برابر کاتان
در روز واپسین کسی از آنها شفاعت نخواهد کرد بلکه طبق بند ۵ از بات ۴۳ استودکات امپراتور
مقرر فرموده است که «بدی از برای بدان و نیکی از برای نیکان خواهد بود» یا عبارت دیگر اسکافات
عمل خاقل شو، کندم از کندم برودید جو جو، برای هر کار نیکی پاداش برای هر کار نشتی کفیز
مقرر گردیده است و قانون اثا یعنی کنش و کنش در همه جا و همه موارد حکم فرماست به عکس هر قدر
هم با قدرت و نفوذ نخواهد توانست از و کنش عمل اثا است خویش دان باشد چون برای هر کاری
سکافات و مجازات تعیین شده است. اشوزرشت بر دم توصیه میکند بر علیه بدی و نشتی پیکاری
دانم و پی گیر باید داشت و تا نابودی آن نباید از مبارزه دست کشید در بند ۴ از بات ۴۶
استودکات در این مورد چنین آمده است :

«ای فردا کسی که با تمام نیرو و جودش بر علیه هواخواهان دروغ پیکار کند او جهان آفرین را
براه فرود و نیش حقیقی بر سببری خواهد کرد»

در مورد پیکار با بدی و حکمت پیروزی روشنفانی بر تاریکی و سپنتا مینو بر انگره مینو اثا
گماری شده است که بذکر برخی از آنها مبادرت خواهد شد.

در بند دوم از ذات ۳۳ یسنا میفرماید: «کسی که با اندیشه و گفتار و کردار و با بزدوان خویش باید کاران بکار کند و نقشه آنها را هتیم سازد و یا آنان را براه راست رهبری کند چنین شخصی خواست پروردگار را انجام داده و بخداوند جان و خرد عشق میوزرد».

در کیش زرتشت و بناگاتا، تنها پرهیز از کارهای ناشایست و دوری از شر و فساد کافی نیست بلکه علاوه بر آن، باید از افراد تبه کاری که در صدد ایجاد فساد و یا جنایتی هستند جلوگیری بعمل آورد و حتی آنها را سزا دهد و محرف و سیه کار را براه راست هدایت نموده و زشتکاری آنها را هتیم سازد.

اشاره زرتشت معتقد بود کسی که سیه کاران را کمک یا رمی نماید خود نیز از طرفداران و هواداران آنهاست و کسی که بزرگو کاران کمک کند از پارسایان دستکاران بشمار خواهد آمد چنانکه در بند ۶ از ذات ۴۶ اشودگات میفرماید:

«... کسیکه برای هواداران دروغ آرزوی فیروزی کند و بدنامیاری بخشد از هواداران دروغ و کسیکه دست کرداران را دوست داشته و بدنامیاری کند در زمره پارسایان بجای خواهد آمد. برای دوری چنین از بدی و دروغ و تبه کاری در ذات ۵۳ یسنا بند ۱۶ اشوزتشت

به پسران خود چنین توصیه میفرماید:

«ای مردان و زنان کوشش کنید... از دروغ که همان زنده گانی نامی و دوسوسه گنج است پرهیز کنید، از پیشرفت ریاض و فریب جلوگیری نمائید، پیوند خویش را با دروغ بیکباره بچسبید»

بدانید آن خوشی و سروری که از راه نادرست و بختی و بیچارگی دیگران بدست آید غریب و افسوس خیزی
بار نخواهد آورد و تبه کاران در فرغ پرستانی که در پی تباهی دست کردارانند برستی زندگانی
معنوی و آرامش روحی خود را از زمین خواهند برد.

موضوعی که در کاتمانا به آن اهمیت بسیار داده شده است انسانیت و مردم داری است
میباشد. اشوزرشت بیشتر بجنبه اخلاقی مردم توجه دارد، او میخواهد همه افراد بشر برادر و کارکنان
با صلح و صفا و مهر و محبت زندگی کرده و یکدیگر مهرورزند او شوخنختی را شوخنخت کردن دیگران
نیاسد چنانکه در اشئودکات میفرماید:

«اوشتا اجمانی بهانی اوشتا کمانی چیت» یعنی شوخنختی برای کسی است که دیگران را شوخنخت
اشوزرشت یاری کردن در مانده گان و بیچارگان و دستگیری از ناتوانان و مستمندان
و وظیفه وجدانی هر فردی میداند و پاداش افرادی که بدو نشان کجک کنند مملکت آسمانی و
نیروی اهورائی مقرر فرموده است.

اشوزرشت توصیه میفرماید برای رسیدن بخداوند بختا و زیارت یدار او تنها بهرورد
فردزگان اهورائی که بنام اشا سپندان معروفند میسر است که در راس همه اندیشه نیک و
سالم و منیش پاک یعنی در هوسن قرار داد، وقتی انسان مغز خود را از هرگونه انکار ناشایست و پلید
پاک کرد و اندیشه نیک و خیرخواهی را جایگزین آن ساخت، هنگامیکه بدون حب و بغض و بدون

خود خواهی بسال توجه پیدا کرد و سود و گران را بر نفع خویش ترجیح داد آنوقت است که فرزند پانزده
 خداگونه در او بوجود آمده است و می تواند بر حلقه دوم کمال که آشنایی راستی و پاکی است کام بنهد در این
 مرحله باید راستی و درستى را همیشه جلو دید خود قرار دهد از دروغ گفتن سخت پرهیز نماید اگر جان او نیز در
 خطر باشد نباید از راست گفتن ببرد با پیشرفت در این مرحله به فرزند گمان گذشت و انصاف است
 و جوانمردی، اعدال، میان روی، شمامت، مردانگی، خواهر گرفت، و بسوی گانه خویشش در ای
 و چیرگی بر نفس و خدمت برود کم گذارد و دیگر گمبای خسترا یا شهر پور است دست خواهد یافت سخت ترین مرحله
 اینجا است که انسان بتواند بر ایصال بهوس و آرزو و خواهشهای خویش شریاری کند و در آخرین
 مادم و جهاد با نفس از این مرحله نیز فرزند سیرت آید از آن پس با آخرین گامه پستنا آرمیتی عشق
 پاک و فروتنی و بردباری کام خواهد گذاشت در این مرحله شاکر و کتب انسانیت عشقی پاک بنده همه
 بندگان خدا پیدا خواهد کرد و او از مهر و محبت نسبت به همه افراد بشر لبریز خواهد شد و بر حلقه کمال و ربانی
 و جاودانی بهار و مات و امرات (خرداد و امرداد) خواهد رسید در این مرحله وجودش از فرزندگان
 خداگونه انباشته خواهد گردید و چون بر توی از فروغ در شان اهورائی همه برادران و خواهران
 نوعی نور محبت و خدمت و نذاکاری خواهد تابا با چنین شاکردی که مراحل کمال انسانیت را طی
 کرده است همه انبای شبر را از هر نژاد و ملیت و مذہب چون برادر دوست خواهد داشت و به محبت
 خواهد ورزید او بر حلقه کمال انسانیت وارد گشته است، او دیگر بوسیلد پرورش فرزند گمان اهورائی

خداوند شده است، او برای رسیدن بخدا اول بار بدون خویش توجه پیدا کرده سپس بایش درون
باندیشه پاک و بی آرایش با راستی و درستی و حیرگی برهن منجبت همه توانسته است به آبران خویش یعنی
دیدار با خداوند درون نایل گردد.

اشوزرتشت جهان هستی را میدان مبارزه و کشمکش ایم و نیروی ضدین یعنی سپنتمانو و اطرمینو
میداند و میفرماید، این دو گوهر همزاد و همراه در عین حال که با هم مخالف و در ستیزند لازم ملزوم یکدیگر نیز میباشند.
وجود این دو گوهر با هم آفرینش و هستی را پدید میآوردند مثلاً نیروی مثبت و منفی در عین مخالف بودن با
یکدیگر موجب وجود آمدن برق میگردد. نیروی جاذبه و دافعه موجب ثابت ماندن کرات آسمانی جلای
خود میباشند، نیک و بد و زشت و زیبا بسگی بطرز اندیشه ما دارند آنچه بود است نیک و آنچه زیان
ما باشد آزار بد و نازیا میاریم.

بنابراین خود اشوزرتشت آنچه در انجمن وجود دارد از آفرینش خداوند گنجا میآید و در ذات
خود نیکوست و بنظر خاصی آفریده شده اند مثلاً تریاک ماده ای است هم شفا بخش و مسکن هم کشنده
و مرگ آفرین، اگر مقدار کم آن در مورد دندان درد و یا برای تسکین درد دیگری بکار برده شود بسیار
نافع و نیکوست، ولی اگر برای خودکشی و نابودی مورد استفاده قرار گیرد زهر است کشنده و مرگ آور
و ماده است بسیار مضر و زیان آور، نیک و بد همانطور که قبلاً گفته شد بسگی بطرز تفکر بشر دارد،
«ببابت دیگر نیک و بد و زیبا و زشت از زمانی بوجود میآید که بشر با عنصر وجود میگذارد و نیروی

تخصیص و تمیز او بکار میآید بجز یک در بند سوم از آن است. ۳۰. یسنا آمده است:

«آن دو گوهر همزادی که در آغاز در عالم تصور پدیدار شدند، یکی نیک است و دیگری بی ادبیت قرار گرفت».

چنانکه از مفاد بند بالا روشن میگردد، دو گوهر سپنتا و انگره مینو دو گوهر همزادی هستند که در برابر هم قرار گرفته اند و در عالم آدیش بصورت نیک و بد ظاهر میگرددند. اصلاً مفهوم خود مینو آدیش و منس میباشد که یکی گوهر پاک یا آدیش فراینده و سازنده است و دیگری گوهر ناپاک یا آدیش ویرانگر و تباکننده.

انگره مینو که بعد از زمان ساسانیان بصورت آخر مینو و اهرمن تغییر شکل یافته است نمیتواند خالق شر باشد و در برابر اهرمن برودا، برتری بخش و انامی بزرگ و چشمه نیکیها قرار گیرد. اهرمن در بنا بشر وجود دارد و بسگی آدیش ویرانگر شیطان ضعیفان و دشمنان دارد و همچو چه وجود خارجی ندارد بعبارت دیگر میتوان سپنتا مینو و انگره مینو را بفرشته خوبی و اهرمن صفتی تعبیر کرد که هر دو در خوبی و خصلت آدیش و نهاد انسان قرار دارد و از او جدا نیست. بنا به آخر بند سوم بات ۳۰. یسنا «و انایان و فرزانگان راه نیک و درست را برمیگزینند ولی با بگردان چنین نخواهند کرد و بسیار به خواهند رفت» شخص نادان و کور که گرفتار هوای نفس و کج خیالی خود شده و براه خطا خواهد رفت و در نتیجه کارهای ناشایست و غیر انسانی از او سر خواهد زد و رفته رفته در منشی و اهرمن صفتی در او ظهور و بروز خواهد نمود و تحتی خواهد بود از اهرمن انسان بنا، ولی شخص فرزانه و دانشمند راه نیک خستیار خواهد کرد و بر بهوسای نفسانی خویش مهار خواهد زد و با کارهای انسانی و شایسته خود فرشته ای خواهد شد بصورت انسان.

در مورد سوشیالیزم و عود زمان در کاتاها بگویید :

در هر دوره ای از زمان که بیدینی و بی ایمانی، افس و فحور، دزدی و دروغ، فساد و جنایت، قتل و غارت، بیداد و ستم، حق کشی و زورگویی عرصه را بر مردم تنگ کند در چنین موقعی سوشیالیست‌ها نجات در دنیای بخش ظهور خواهد کرد تا مردم را از بختی و بیچارگی نجات بخشد. سوشالیست‌ها جهان را تازه خواهند کرد و تحولاتی پدید خواهند آورد و داد و انصاف و راستی و درست‌دستی و یکی و خوبی و آشتی و آرامش در جهان مستقر خواهند ساخت. از اینکه سوشالیست‌ها یا سوسیالیست‌ها در دستکاری بخش با آرا دیده اند و مردم را سوزانده و سوشالیست‌ها برای پیشبرد جهان بسوی تکامل و رسانی و تازه کردن آن از لحاظ تحول و گردونی بود جامعه رنجیده و مضطرب کشیده و مشرف به مردم بسوی آبادانی و کمال انسانیت هر چند وقت یکبار ظهور کرده و میکنند مخصوصاً در مواقع بحرانی که خدمات آنها بسیار چشم گیر خواهد بود.

در کاتاها در روح یا دروغ را در تمام گناهان و نجس‌ها دانسته و در کونست یا در دیدنی هواخواه دروغ و دروغگوار دشمن دین راستین مزدینا خوانده و از آن بیدی یاد میکنند. دیوسینا یا هواخواهان خدایان پنداری و دروغین در برابر مزدینان یا پرستندگان مزدی، خداوند یکتا بار خداوند علم کرده سدره مشرف استوارت در ارشاد مردم بسوی یکپارستگی شده اند.

روسا و کاهنان دیوسینا بنام گویان و کرپان او بخش مزاحمت‌های بسیاری برای پیغمبر وجود آورده و در روز و صحرای ساختن مردم کوشش نمایند که گاهی استوارت از کندی مشرف کار خویش به تیره میاید و زبان شکوه میگوید

هیچگاه در ایام او نسبت به امروزه مزدا خلی وارد نمی‌گردد. گمانا نشان سید همچون دستور بزرگ صبر و یکسانی پس از تلاش و کوشش بسیار و مواجه شدن با ناکامیها و زخم زبان ماسر انجام در همین سال ناموریت خویش موفق شود پس عمومی خویش میدوید ماه و چند تن از خویشان نزدیک خود را بین همی در آورد و دو سال بعد چون پیغمبر در غرب ایران نفیختی بست نمی‌آورد بسوی شرق بلخ روی آورد و شتاب شاهشاه زورمند کیانی را پس از بحث و مناظره های طولانی با دشمنان در بار کیش خود دریا آورد و با او جاماب و فرشتی که از وزرا و افراد بسیار سرشناس فرزانه کشور اندین همی را قبول و با کمک آنها کیش زرتشتی مزدیسنی در جهان رو کجترش میرود.

در گمانا از کتاب فرشتی و جاماب و سید یوماه بعنوان ایران بسیار با فایده ترین ^{باشتابان} زرتشت نامبرده شده اند. دستور بزرگ نامبرده گان را از اعضای برجسته انجمن معانی انجمن برادری و آزادی می‌شمارد. اعضای این انجمن بنام منخ یا مکت یعنی بزرگی و بزرگواری و فرزانی معروف بود و افرادی از هر ساحت بزرگواری، آزاده و فرزانه بشمار می‌آمدند، ریاست این انجمن با خود زرتشت بود. نکته مورد توجه دیگر در گمانا آنست که اشور زرتشت بیشتر روی سخنش با دانیان و بزرگان است تا کید دارد که تنها این گروه پیام او را بشنوند و دیگران برسانند زیرا دستور پاک نیک میداند که انجمن نادان و کور دل قادر به درک زرفای پیام راستین او نبوده و نخواهند توانست برابر آن رفتار نمایند و بیشتر تابع احساسات خود قرار خواهند گرفت.

گرچه پیر در ساندن پیام خود بطبقه روشنگر و دانا بیشتر توجه دارد ولی مکرر توصیه می‌کند که فرزندان
و فرزندان باید جاهلان و ناخردان دانش بیاموزند و در شناخت راه از جاه آنانزایاری نمانند چنانکه
در بند ۱۷ از باب ۳۱ اینودکات میفرماید :

« ... دانا باید بادانش خویش نادان آگاه سازد انشاید که ناخرد و گمراه ماند »

اشوررتشت پس از یک عمر تلاش و کوشش و انجام ناموریت ارشاد و در برهبری مردم جهان بوسه
راستی و تبحر پرستی سرانجام بنابه بد اول و هیشواثیت کات همه خواستهایش به تیرنجی آبرود
شده و از یک زندگانی نسبتاً طلالی و سراپا پارسانی و خوش و خرم برخوردار گردید حتی کسیانکه
با دشمنی داشتند و اذیت و آزارش میکردند تغییر رویه داده و حاضر شدند نتحان حکمت بار و اندیشه
را تخمیزش را بگوش هوش بشنوند و باو احترام گذارند و در گفتار و کردار از آئین همی پیروی کنند .
چنین بود زندگانی سراپا کوشش و تلاش و حضور بزرگ ایران پیام آسمانی او .
امید است علاقمندان بختار و پیام اشوررتشت بفارسی روانی که از تمام تخبهای کاتاب
رده شده است بهره نیک گیرند و در زندگانی بکار برند .

در پایان لازم میدانم نظرات روان‌شان و دکتر ایرج تاراپور و الا استاد و عالیقدر خویش و
نیز پر و فوسیلر انگلیسی را در مورد سرود های آسمانی زرشت برای اطلاع خوانندگان محترم در زیر یاد
دکتر تاراپور و الا در مقدمه برگاتابهای خود میسنوید :

« تنها کسی که باز درون خود پی برده و با کوشش خستگی ناپذیر برای پاک کردن مغز خویش از هر گونه
 پلیدی و اندیشه های ناشایست طریق روحانی را طی کرده اند می توانند بدین گفتار و مغایر هم درونی سخنان
 پمیران بزرگ نائل آیند. بنیان گذاران او یان و سرانیده گاتانا از روی خرد و دانش بسیط و پرزور
 سخانی پراخت و فلسفه ایراد کرده اند. گفتار این نوابغ جهان نیستی است. «جا بلان» را کردن تیری در
 تاریکی دانست. «و یا آزا با صر فهای نامفهوم شیرخواری تشبیه کرد؛ بلکه باید سخن زبور را تراوشات فکری
 شخصیت های نامدار و دانشندان سرگی دانست که در جبهه کمال رسیده از سوی خداوند یکتا به آنها الهام
 شده است. پامیران بزرگ حقایق آموزش های خود را به شاگردان و پیروان اولیه خود تعلیم دادند و
 نسلهای بعدی سوختند آنطور که باید و شاید گفتار پمیران خود را درک نکنند؛ بنابراین رفته رفته موهوم و مخفی
 که زاینده جبل و نادانی است، آموزشهای حکیمان آن را در مردان بزرگ و نجات دهندگان بشر از مشوش
 در پشان ساخت.»

«تاریخ کلمه مذاهب نشان میدهد که بنیاد یک مذهب همیشه گفتار از روی دانش و
 حکمت و نبی و بصیرت بوده الهامی از جانب خداوند یکتا است و خود بنیان گذار دارای شخصیت
 ممتاز و مافوق بشر عادی بوده و یا یک بر مردی باشد. مزید آن پیروان اولیه نیز که همزمان با
 پمیر بوده و یا چند سالی بعد از او آمده اند از لحاظ فهم و ادراک و بصیرت بموضوعهای مذہبی و بحثهای
 اخلاقی نسبت به اشخاص متوسط و عادی بسیار برتری داشتند ولی تا آنجا که با گذشت زمان موهوم

و خرافات و روشناسی ناپسند وارد آئین پاک دلی آلائش بنیامگذار آن گردید و بروز زمان حلی
تعالیم هوولی پمیر را گرفت»

از بین اوستا شناسان غرب استا پر فور سیز انگلیسی نظراتی بسیار زیبا و خردمندانه
در باره کاتاها و متون آن دارد که در مقدمه کاتاها می خود آورده در زیر قسمتی از آن را نقل نمایم :
« گفته امی که در سوره های آسانی کاتا بیشتر از هر چیز دیگر توجه را بخود جلب میکند آنست که
تمام قدرت در دست پروردگار توانائی است بنام اهورا مزدا . نامبرده دارای شش فرزند یا پوتی است
بنام اشا سپندان یا جاویدانهای مقدس ، آتش مظهر پاکی و قدرت خداوند و سرش مظهر فرمانبردار
از او امر آتی نیز مانند اشا سپندان تحت بانیه است و در کاتاها مورد احترام و اهمیت میباشد .
ضمناً از دو نیرو یا دو مینو بنام سنا و انگره صحبت شده است که لازم و ملزوم یکدیگر بوده و
با اتحاد یکدیگر خیر و شر را در جهان هستی بوجود آورده و در نتیجه موجب مکافات و مجازات شده اند .
حقیقت آنست که هست و دوزخ بصورتی که مردمان روشنگر امروزی با آن آشنائی دارند
و جنبه معنویت دارد برای اولین بار در کاتاها ذکر شده است» .

• بشرایان دراز مانند طفل از ترس و حشت : دوزخ و پنج و خداهای گوناگون پس از مرکب خود
بیلزید و از لذایذ و نعماتی که در بشت برخوردار خواهد شد شادی مینمود و صورتیکه زرتشت در روزگار آن
بسیار کهن این حقیقت را آشکار ساخت ، که پادشاه بشت و مجازات دوزخ امری درونی و معنوی است

و بهشت و دوزخ همان راحتی اندیشه و آسایش وجدان و ناراحتی نکردن فدا بندگان باشد،
آموزش این نکته در تغییر عادات و روش فکری ایرانیان باستان بسیار مؤثر بود.»

پروفسور سیلز اضافه میکند «در گاتانا برای راهبانی نیکوکاران پرویی از دستور مآثره،
کلام مقدس و پرورش اشا پسندان پرتوهای خداوندی تأکید شده است. در صورتیکه با پیشانی
وسیه دلان را در گاتانا می بینیم از سوسه های اکومن یا اهرمین گمراه گردیده و بزشتکاری و شکرهای
خود مشغولند بطوریکه روان آفرینش از شکرهای آنها بسته آمده و بدرگاه اهورا پناه میرود، گوش
مردمان در ستکار و با تقوی برای تأمین زندگی از راه مشروع با مخالفت دیو پرستان که سعی دارند
عیسای غم مزو پرستان بر کشور ایران کفر مانی داشته باشند مواجه میگردد. سرانجام با درخواست روان آفرین
آشوزشت برای ارشاد و نجات مردم تعیین نوید داده میشود. از آن بعد بیک سلسله نایش و تاسیس
درخواست و موعظه و اندرز بر میخوریم.»

تشت
«در خلال گاتانا با بجهنمای خونین و حمله دشمنان تیار پستی بر میخوریم ولی سخن کلام زشت
و سپاسگزاری او بدرگاه اهورا در کیه نسکنیم که پیر بر نصیحت شایانی بدست آورده در امر ارتقا می ذکر کرده است
اما راجع با سیکه زشت که بود و در کجا زندگی میکرد چه موقع از ما در زانیده شد و فیروز چنان میگوید:
«زشت یکت شخصیت تاریخی است و در وجود او، هیچگونه تردیدی نمیتوان داشت. در مورد
اینکه سرودهای مقدس گاتانا با زشت و نزدیکانش نسبت داده شده است برای من شک است اهبامی»

وجود ندارد. گرچه امکان دارد استهسالی از گاتاها بعد از او سرودهای آسمانی زرتشت شده باشد. هم‌مذابط
کلی مضامین گاتاها یکپارچه بوده حتی عبارات و جملاتی که بعد از این کتاب آسمانی منجمله شده با
مضمون و مفاد اصلی گاتاها شباهت کامل دارد و از لحاظ ظاهر کلام نیز با آن هم‌ایرتی ندارد.

علتی ندارد که نام زرتشت بعنوان محبوب‌ترین عزیزترین نام برای بشر باقی مانده باشد مگر اینکه
صاحب این نام دارای چنان شخصیت برجسته‌ای باشد که شاهنشاه با قدرتی چون کشتاب
با تمام افراد قلمرو خویش محبوب بیانات شیوا و اندرزهای حکیمانه خود کرده باشد. در گاتاها مواردی
هست که بطور واضح سراینده این سرود را نشان میدهد. مثلاً در بند ششم از نجات. «دینا» «نشتنگات»
آمده است که: ای بومرزا! بگذار سیکه صدای خود را با سرآیند کلام مقدس بلند کرده است و او
زرتشت دوست فادارتوست از روی راستی دستورهای الهی را بروم جهان بلانخ و آنها را ارشاد
نماید» و باز در اینمورد ادامه میدهد:

«سراسر گاتاها از لحاظ قافیه و اوزان شعری و استعارات و اصطلاحات و عبارات یکجوا
و یکپارچه بوده و تردیدی نیست که اثر اندیشه و تراوشات فکری کنفر بطور مستقیم یا غیر مستقیم می‌بایست
حال اگر فرض کنیم زرتشت سراینده گاتاها نیست پس شخص بی نام دیگری که اندیشه روح و قلب و
ضمیرش در راه اشاعه و انتشار مذہب یثا پرستی صرف گشته است باید این مهم را انجام داده باشد
اهمیت زرتشت را میتوان در اقدامات شخصی پیرداست. گرچه نام ویتاسپ فرخوشتر

و جاماب هم درگاتا ذکر شده است ولی نمیتوان سخنان کتاب آسمانی را از آنها دانست زیرا سرانیده
سرودهای آسمانی از لحاظ شخصیت و تفکر براتب از آنها برتر بود.

« چیزی که روشن است اینکه در سرسرایات این کتاب آسمانی روح یکفر تنظیم کننده و در
روحیه شاکرداش احساسات یک است و تجلی و تقابل میکند.

« راجح خصوصیات ویژه این آموزگار بشری با تعالیم ارزنده است که در کتاب گاتا با کجایند
شده است. در هیچ عصر و زمان در هیچ جای جهان تا آنجا که مدارک و شواهد در دست نشان میدهد
شخصی وجود نداشته است که چنین اندیشمندان و پر مغز سخن گوید. گرچه امروز برخی از جهان افکار بلند
جنبه فلسفه های مذهبی و اخلاقی پیدا کرده است ولی تا آن زمان هنوز چنین اندیشه های شگرف و
سخنان گهربار را کسی بر زبان نیاورده بود.

« طرز تفکر و بیان شیوا می همسیر کا ملا و ترکی داشت. در هر یک از واژه ها و عبارات و
نوشته های اندیشه ای شرف و پر مغز منقته است. مهارت و استادی و در بیان حقایق عرفانی
بی نظیر است. اندیشه بلند و شگرف او در تحمیل بخشیدن بفرودگان ویژه پروردگار بصورت
اشا پسندان که پرورش آنها موجب تزکیه روح و دستگیری بشر میگردد چنان استادانه بیان شده است
که دانشمندان عالیقدر امروزی از درک اینکه اشا و هومن بصورت فرشتگان و اشا پسندان تحمیل
یافته و یا اینکه اندیشه و اراده خیرخواهانه پروردگار است که در انسان تجلی پیدا کرده است عاجز میباشند...

« ارزش اندیشه و گفتار پیرایه باستان را باید از نقطه نظر زمان مکان سنجید بدون توجه باین
 دو عامل هم دوری صحیح در مورد زرتشت امکان ندارد. بهر حال سیکه خواننده گاتاها بزبان بسیار کهن
 که این سرود های مقدس سرساییده شده و بدین نسبتاً ابتدائی عصر می اندیشد از بیان چگونگی پیرایه
 ناکریر زبان بچشم دید می نماید .

« راجح با احساسات شخصی زرتشت میتوان گفت نسبت با پسران ایرانیان ضلنا پذیرد استوار
 دشت و با دشمن میوزید . واژه زرزدا یعنی *zaradaiti* که دارای مفهوم خلوص نیت و صفای
 باطن است در مورد پسر ایران مصداق دارد . از مفاد گاتاها میدانیم که آشور زرتشت شخص باشامتی بوده
 ولی از جنگ و خونریزی پرهیز داشته است . در مقابل سختی او ما بهسوارها خود داری زیاد می نمود ولی
 برای فرود شدن بر دشوارها ایستادگی و سرسختی نشان میداد .

« در گاتاها همه چیز جدی و واقعی است ، روح آفرینش بطورش اعترافه در حال استغاثه است و پسران
 و ماشا پسندان را در حال صحبت کردن و گوش دادن دیدن می یابیم ... همه چیز در گاتاها عملی است ،
 گزرها ، بندو ، گویان و گرپان و او سنجش ، دشمنان زرتشت غولهای افسانه ای نیستند . هیچ مار و اژدها
 مردم شهروستار تهدید نمی کند و هیچ پهلوان افسانه ای از مردم حمایت نمی کند . زرتشت فرستار
 جاماسپ ، میدویاه ، اسپنتمان ، نووگوو ، سیچد مپ از شخصیت های واقعی هستند که بطور ساده
 و بی تکلف از آنها نام برده شده است بجز الهام و وحی آسمانی که در اثر اندیشه و فکر عمیق بزرتشت

میدهد. در کاتانا از مجزات و کرامات خبری نیست، فعالیت انسان در اطراف تلاش و کوشش و غیره
 طبیعی برای رسیدن به نجات و در نبرد، کوشش و استقامت چنانچه اول کاتانا را خوب مطالعه نماید و بعداً
 بیشتر یاد و ندیداد برودارد، در واقع میتوان گفت چنین شخصی از عالم حقیقت بر سر زمین افسانه‌ای قدم خواهد گذاشت
 « در کاتانا پایابری رامی میند که در حال تلاش و کوشش و تحمل سختی و مشقت است، در صورتیکه در ششها
 همین سخن را بصورت نیمه‌خدای افسانه‌ای مشاهده میکنید، هر چند افکار هوای افسانه‌ای ششها و ندیداد
 کمن بوده و برخی از آنها ستم از کاتانا در گیت دیدهند و با نیرنگمن تر میباشند ولی بطور کلی زمان
 تدوین شش یاد و ندیداد بسیار متأخرتر از کاتانا میباشد.

« من (میلز) تصور میکنم کاتانا کشته از سایر قسمتهای اوستا مورد و شبرد قرار گرفته است چنانچه
 عبارات و جملاتی از خارج در آنها گنجانده شده باشد یا از روزگار ان کمن بوده و با شباهت بسیار زیاد
 با اصل متن داشته است، آن قسمت از کاتانا بار که بعداً در متن اصلی گنجانده اند با احتمال قوی کارشکاران
 اولیه زرتشت میباشد که همان روحیه و ایمان اخلاص استاد را در نوشته‌های خود حفظ کرده اند».

پروفسور میلز در پایان مقدمه خویش بر کاتانا میفرماید:

« گاهی برخی از دوستانم میپرسند چه چیز باعث شد که به آئین زرتشت و مطالعه کاتانا باری آورده ام
 در پاسخ باید بگویم من در بین جوانی اشتیاق فراوانی بمطالعه و تحقیق در رشته عرفان و تخصص در این علم
 داشتم. در سال ۱۸۷۲ میلادی که با اروپا آمدم این رشته را دنبال کردم. بعد عاشق و شیفته فلسفه

کانت شدم و مدت‌ها نینس روی این فلسفه کار کردم ولی سرانجام برای پیدا کردن بیدار و اصل عرفان بزبان
زند و اوستا روی آوردم و فهمیدم که تمام این رشته ها مانند دانه های زنجیر بهم تنگلی و ارتباط دارند
و انسان را بر چشمه حقیقت و حقیقتی را بنامی میکنند»

پیشگفتار خود را با سخنان نغز استاد پر فو و سیر استاد شناس انگلیسی دارستر فانسوی پان مینشم
«برگناه برای تاریخ انکار بشر ارزشی قایل کردیم باید گفت استقامت همی را در این تاریخ
تخصیص خواهد کرد»

«اوستا نه فقط کمین ترین اثر جادوئی از افکار آریائی را با ارا نه مید بد بلکه از نظر تاثیر عمیق
و وسیعی که در ادیان یهودی و مسیحی داشته است مقام مؤثری در توسعه مذہب و سر نوشت بشر کسب
کرده است» (میلر)

«کم در آمدترین در مانده ترین فرد در تشریح خود را سر بازی میداند که باید برای فیروز می راستی برود
و نیکی بر بدی مبارزه کند، هیچ مذہب دیگری نمیتوانست در یک فرد احساسی بوجود آورد که اینقدر نسبت به
زندگی خوشبین باشد و برای زندگی ارزش قایل گردد و آزاد دست داشته باشد، کسی که طمینان دارد
در پر تومی و کوشش بر مشکلات زندگی چیره خواهد گردید، سلسله سکنت در اندیشه او راه نخواهد یافت و همین امر
باعث شده است که در ریشیان پس از گذشت طوفان های سنگین و بلا یایی خانمانوز هسنوز پای جا
مانده در هندوستان از همه پیشرفته تر و در جهان ترقی پیشگام تر از همه روبروی فروغ و روشنائی با

با کاروان تمدن همگام بجلوسیتارزد... «دارمستر»

امید است خوانندگان علاقمند بپوشه زرتشتیان از گفتارهای نغز و پراگماتیک این نوشتار
درس زندگی و انسانیت بیاموزند و آموزشهایش را در زندگی بکار برند تا هم در جهان کامروا هم در
عقبی دستکار گردند.

در پایان لازم میدانم از زار و مرد خیر اندیش و وارسته‌ای که هزینه چاپ این کتاب را
تقبل فرموده و حاضر باشی نام خود نباشد سپاسگزار می‌گردد و دیر زبوی و بهر زبوی شاد زبوی
فیروزی او و خانواده ارجمندشان را از نیچا امروای توانا خواستار گروم.

روز سه‌شنبه و امرداد ماه ۱۳۵۰ یزدگردی

برابر با ۳۱ / ۵ / ۱۳۶۰ خورشیدی

مؤید فیروز آذرگش

سرآغاز آهنگان گات ۲۸ نینا

سراسر اندیشه و گفتار و کردار اشوزرتشت الهامی است از سوی خداوندیجا که انسان را
بوسی رسائی و خوشبختی را بنیانی میکند «پاکان جاودان» «پرتوهای ابهرائی»، «سرودهای مقدس
گاتا» را فریاد پذیرید و با نماند ایمان داشته باشید .

ای گاتا، ای مقدس با کمال احترام بشمار و در پیوستم

بند ۱

پیش از هر چیز ای دانای بزرگ نیکی منزه ای مینوی ، بادستهای برادر داشته ترا نماز بر
دخوشبختی کامل را خواستارم ، پروردگارا بشود که در پرتو راستی و درستی و بر خرداری از خرد و دانش
و ضمیر پاک روان آفرینش را خوشنود سازم .

بند ۲

ای هستی بخش دانای بزرگ هر آینه با اندیشه ای پاک دلی روشن تو نزدیک شده و بدیدار
نایل جو اشم شد . پروردگارا پاداشی که تنها در پرتو راستی بدست یساید و نمونین را خوشبخت میازد
در هر دو جهان مادی و معنوی ببارزانی دار .

بند ۳

ای هستی بخش دانا ، ای آشا و ای دهبون د مظاهر راستی و پاکی و اندیشه نیک و مهرورز

مردم، سرودائی میسریم که کسی پیش از این سروده است .
آرزو دارم بوسیدہ آشا، و ہومن خوشترای فانا پذیر (مظہر قدرت ارادہ خداوند)
حسن ایمان و فداکاری دست بمان افزایش یابد . پروردگار ادرخواست مارا پذیرد بویمان
روی آورد و با خوشبختی ارزائی دار .

بند ۴

در پروانڈیشہ پاک روٹم را ہوی فردوس رہبری خواہم کردہ با آگاہی از پاداشی کہ حسی
ہستی بخش دانا برای کارہای نیک مقرر فرمودہ است کوشش خواہم کردہ تا آنجا کہ مراتب و توان آشا
مردم را با آموزش کہ برہستی گرایند و دستی مپشہ سازند .

بند ۵

ای آشا، مظہر راستی و پاک، کی بزیارت تو نایل خواہم شد؟ ای و ہومن مظہر اندیشہ نیک،
آیا بادش آگہی و خرد واقعی ترا خواہم ساخت؟ آیا با فرمانبرداری از ذای وجدان
فرمان ابورائی ہوی ہستی بخش دانا و توانا را خواہم یافت؟ بشود کہ در پروکلام متحدس بناہوی
بیان گمراہان را بہ برترین راہ کہ ہما را راہ راستی و نجات پرستی است رہبری کنم .

بند ۶

پروردگار اچانکہ در گفتار آسانی نوید داده شدہ است در پروانڈیشہ پاک و راستی ہوی

آسی و مار از بخشایش دیر زوی بر خوردار ساز ، ای هستی بخش دانا بزرتشت و همه دوستان او
نیردی معنوی و شادمانی بخش تا بر کینه دشمنان خود چیره گردند

بند ۷

ای آشا آن بخشایشی که ثمره اندیشه پاک است با ارزانی دار ، ای آرمیتی آرزوی بخشش
و سپردان بار آورده ساز ، ای خداوند خرد و مابندگان فداکار نیر بخش تا فرمان بهدست راجه بانیان
بصمانیم .

بند ۸

ای هستی بخش ، ای برتر از همه و با بهترین راستی هم اراده ، از تو قلنا آرزو دارم که به
فرشوستر نامدار و یارانم و همچنین بجانی که از بخشش جاودانی و نیک اندیشی برخوردارند بهشت
ارزانی داری .

بند ۹

ای اهورامزدا ، همواره کوشش میکنم سرودهای ستایش خود را صمیمانه نیازت کنم
و همچگاه آشا و وهرمن (مطاهر پاک و نیک منشی ، راجشتم نیارم زیرا آشا ، وهرمن و خشترا ای
توانا اسند او استایش میدانم ۱۰۰)

۱- آشا ، وهرمن و خشترا ، پر تو های سنگانه اهورامزدا میباشند که عبادتند از راستی و نیک اندیشی و محبت بمنوع
و خدمت بر دم با شریاری بر نفس که سزاوار ستایش میباشند زیرا اینها نوزگان جلوه آئی هستند از خود اهورا .

بند ۱۰

ای هستی بخش دانا ، هر آینه آرزوی کسانی را که در پر تو راستی و اندیشه پاک از نظر تو روشن
و در شکر و ارشاد شناخته شده اند بر آورده ساز ، چه برستی مید انم ستایش ای خالصانه و بی یاری بندگان
تو که دارای هدنی عالی و نیک اند بلا اثر و بی نتیجه نخواهد ماند .

بند ۱۱

بشود که با این نیایش ؛ همیشه از نعمت راستی و اندیشه پاک برخوردار گردم . ای آفریننده
بزرگ دانا از راه حسد و بغض و الهام راز پدید آمدن آفرینش را از روز ازل بمن بیاور به حقیقت
بردم جهان آشکار سازم .

«ایزدهکات» یساعات ۲۶ - بند ۱

پروردگارا روان آفرینش بدرگاه تو بگذرند است برای چه مرا بیا فریدی ؟ چه کسی مرا کالبد
هستی بخشید ؟ چشم و تیز و چپاول و غارت و گستاخی و تجاوز همه جار منم اگر توه ، مرا بفر تو پشت
و پناهی نیت بنا بر این نجات بخشی که توانم از این تخنارانی بخشیدن نشان ده .

بند ۲

آنگاه آفریننده جهان (اهورامزدا ، از آشتا پرسید چه کسی رهبر و نجات دهنده مردم
جهان خواهد بود تا ما بخواهیم پشتیبان و یاورش باشیم و بد او نیروی آباد کردن جهان گسترش راستی

۱۱۱. نظر راستی پاک ، تقوی و پارسائی ، گذشته و خداکاری شهادت مردانگی و داد و انصاف ، نظم بهیست ، سامان دادن

بخشیم. اسی آشا آیا چه کسی را مایلی بعنوان سردار و بر سر مردم جهان برگزینی تا بتو امد سپاه بداد
دگر امان را در هم بکنند چشم و نفرت را دور سازد.

بند ۳

آشا به اهورامزدا چنین پاسخ داد، آن سردار و بر سر می که برای جهانیان برگزیده شود مستلماً
بیدار گریستم شیه نیست بلکه شخصی بی آزار و مهربان است. از زمین کسانیکه در این جهان
خاکی زندگی میکنند گرچه کسی را نمی شناسم که بتواند نیکوکاران را در مقابل تبه کاران حفظ کند ولی
قطعاً او باید نیکو و سادترین فرد در میان مردم باشد تا بدخواست او بیاریش شتابیم.

بند ۴

بیجان اهورامزدا بهتر از همه آگاه است که در گذشته چه کارهایی بوسیله بت پرستان بود امان
آنها سر زده و در آینده چه کارهایی بوسیله آنها انجام خواهد شد چون داوری این کار تنها با اهورامزدا است
بنابراین آنچه خواست اوست تا بدان خوشنودیم.

بند ۵

ای دیون من در روان آفرینش بر دو با احترام و دستهای برافراشته اهورامزدا را تسلیش کرده از
او خواستاریم که هرگز ب نیکوکاران پارسایان بر سر آنها نرزد از خود دشمنان بدکاران امان باشند

آنگاه ابورامزدای دانا که بدانش خویش می‌روی حیات می‌بخشد چنین گفت:
آیا کثیر سرور و نیوی شایسته و یا یک رهبر و نجات دهنده روحانی را که سرشار از پاکی و پرستش‌کاری
باشد نمی‌شناسی؟

آیا چنین نیست که آفریدگار ترا بعنوان پاسبان و نگهبان آفرینش برگزید و مویت چهار اتوبه بخشید؟

بند ۷

«ابورامزدا به سخنان خود چنین ادامه می‌دهد:»

این سرور و مقدس جو ششختی افزای (یعنی ابونور) از هستی بخش مطلق است که اراده اش با اش
کیان است و پروردگار پاک آنرا برای مشرفیت جهان و سعادت مردمان درست کرد و از نازل فرموده است.
پس از کمی مکث ابورامزدا باز به سخنان خود ادامه داده می‌فرماید: :
ای و هو من، کیست آن نجات دهنده‌ای که تو در نظرداری و می‌تواند مردمان را یاری کند و آنها را
از گمراهی نجات بخشد.

بند ۸

ابورامزدا می‌فرماید:

چگونه کسی که بدستورات الهی گوش فراداد و بن او را خوب می‌نامد، همانا زشت پندمان است.

تفاوت که خواستار آموزش آئین راستی و سرودهای تائیس مزدک است با براین باو شیوالی
بیان خواهیم بخشید .

بند ۹

آنگاه روان آفریش با بگت بند گوید : آئین باید بدون چون چرا پستی تانی شخص تا توان
قبول کرده و بنجان او گوش دهم ؟ راستی مرا آرزوی شهریار نیر و مند و توانائی بود . آیا چه وقت
چنین شخصی برای یاریم با خواهد خواست و با بازوان نیر و مند خود مرا حمایت خواهد کرد .

بند ۱۰

ای اهورا مزدا و ای آشا به اینها (زرتشت و پیروانش) نیروی معنوی و توانائی بخشید
ای و هوسن تو نیز به زرتشت آن را (یعنی نیروی اندیشه و هوش و خرد سرشار) ارزانی داراد
پرتو آن بجهت بیان آرامش و آسایش بخشید . ای دانای بزرگ ما همه او را برگزیده ترین آفرینش
و شایسته ترین فرزند تو دانسته و بر بهری خویش می پذیریم .

بند ۱۱

روان آفریش بنجان خود ادا می دهد :
آشا، و هوسن خوشتر چه وقت با روی خواهند آورد ؟ کی ای مزد آئین ترا نخبم بزرگ نمان
خواهند پذیرفت . ای هستی بخش اینک که برای ما یار و مدد کار رسیده است ما هم آماده ننگداری هستیم .

توضیح

آشا، دُهوْمَن خَشْترا بتریب مطا هر راستی و پاکی، اندیشه پاک و عقل خرد
و نیروی خدمت خلق، کجک به مشیرفت و آبادانی و شهریاری برهوامی نفس است،
ردوان آفرینش میگوید: پروردگار ما را از فروزگان دُیره نامبرده برخوردار سازد.
ضمناً منظور از انجمن بزرگ مغان، انجمنی است که از زرتشت دیاران و دادارانش
شده است و یا عبارت دیگر هسته اولیه ای است که دسترس آئین نوین
یعنی کیش زرتشت کجک شایانی نمود.

باید در نظر داشت که این نامت بصورت نایشی برگزار شده است که نقش مهم آن را
ردوان آفرینش یا نماینده مردم جهان بازی میکند و آشا و دُهوْمَن (آشاسپندان)،
و خود اهورامزدا برای نجات بشر از اینهمه ظلم و ستم پس از یک رشته پرسش و
پایخ اشوزرتشت را شایسته ترین فرد برای این ناموریت دانسته و او را بعداً
رهبر برای ارشاد مردم برمیگزیند.

بند ۷

کسی که از نیروی معنوی و منش نیک و راستی و پاکی برخوردار باشد و آرزوی باعش و ایمان
جالبه و پایداری و استواری بنجد بگمان چنین شخصی در آزمایش سخت زندگی فیروز گردیده و در فرقه
بندگان نیک تو ای پروردگار محسوب خواهد شد.

بند ۸

همگامیکه بزرگکاران بکفر گمانان خود رسند آنگاه ای خداوند جان و خرد در پرتو انیسه
پاک قدرت ترا درک کرده و این حقیقت را خواهند آموخت که چگونه باید در برانداختن دروغ و
کژمشی و کجکتابی و فیروزی راستی و پاکی کوشش کرد.

بند ۹

پروردگار ایشود که مانند کسانی که حجب ان را بسوی تکامل آبادی پیش می برد از بندگان
و فادار تو باشیم. ای خداوند جان و خرد و ای هستی بخش بزرگ بشود که در پرتو دراپستی پاکی،
از یاری تو برخوردار گردیم تا زمانی که ما دستخوش بدگمانی و دودلی هستیم ندیده و لب یا چپا چه تو توجیه پیدا کند.

بند ۱۰

زمانی که بجهان دروغ سکنت و تباهی فرارسد آرزوی متبلی کسانی که خوشنامی نیکی
معروفند برآورده شده و از نعمت سرای خوش نیک منشی و راستی بارگاہ پر فروغ نزا (یعنی شبت)
برخوردار خواهند گردید.

«هنودکات - ات ۳۰» بند ۱۱

ای مردم هرگاه غنچه شادی و بویج را که حسد از خرد مقرر فرموده است
بیا موزید و در یابید که در و غلگویان و تبه کاران کجمنه دیر پا و چار و
دست کرداران پاکان از سود بی پیمان خوشبختی بهره در خواهند کرد
آنگاه در پرتو این صل نجر پسندی حقیقی در تجارتی نایل خواهید شد.



«ابودکات» بات ۳۱ یسایا بند ۱

ای جویندگان دانش، اکنون آموزش و پیامی را که تا بحال شنیده نشده است برای شما آشکار خواهم ساخت. این پیام برای کسانی که از روی تعلیم نادرست و (دوسه های شیطانی) جهان نیکی را تابه سازند ناگوار می باشد، ولی برای دلدادگان فرزندان، خوشایند و دوستی محبت است.

بند ۲

چون دوسه های شیطانی مانع از آنست که راه بهتر را آشکارا دیده و برگزینید ببارین خداوند جان و خرد مرا برای رهبری شما برگزید تا زندگی کردن برابر آئین راستی بر دو گروه نجان و بدان بیاورم.

بند ۳

پروردگارا در پر تو فروغ مینسوی با چه خواهی بخشید؟ آیا آن سعادتنی که در پر تو راستی پاکتی بست یا بد و همه وعده شده کلام است؟ در مورد انا بیان چه فرمائی داده شده است؟ ای خداوند خرد مرا از تمام این حقایق آگاه ساز و با کفایت الهام بخش خود مرا روشن نما تا همه مردم با من راستی ارشاد کنم

بند ۴

ای خداوند خرد و ای امانت سپندان لطف و عنایت خویش را از ما دریغ مدارید تا در پر تو

۱) دلدادگان فرزندان هستند که به خداوند احسان میورزند و ایمانی صادقانه دارند.

فروزگان راستی و پاکی، عشق بی آلائش و فروتنی و اندیشہ پاک و نیروی معنوی کب کرد
و با پرورش آن برہو اخوامان دروغ فیروز کردیم

بند ۵

پروردگارا برابر برائین راستی راھی را کہ بہر است بمن نشان دہ تا آرا بر گزینم، در پرتو
اندیشہ پاک مرا از پاداشی کہ بخوردار خواہم شد آگاہ ساز تا احساس شادی و سرور کنم۔
ای خداوند جان و خرد مرا از ہر سہ چیز آگاہ ساز، خواہ آنچه روی دادہ یا آئندہ رخ خواهد داد

بند ۶

دانی کہ آئین راستی را کترش دہد و مردم را از پیام مقدسی کہ آمارا برسانی جاودانی
و حقیقت بہنہون است آگاہ سازد از بہترین جو شستگی برخوردار خواہد شد۔
چنین شخصی بجان از نیروی اہورانی کہ در تو منیش پاک افزایش می یابد بہرہ مند خواہد گردید۔

بند ۷

اوست نخستین اندیشہ گرمی کہ با نور خود افلاک را در حاشا ساخت و با نیروی خود جویش قانوں
راستی یا فرید تا نیک اندیشان را یار و پشتیبان باشد۔ ای خداوند جان و خرد ای کسیکہ
ہمیشہ در ہمہ حال بکیانی با روح تقدست فروغ ایمان، را در قلب با برافروز

بند ۸

ای خداوند جان و خرد، بسگامیکه در اندیشه خود ترا سسه آغاز و سر انجام هستی شناختم
آنگاه با دیده دل در یافتم که تویی سرچشمه منش پاک که تویی آفریننده راستی و اور دادگری که
کردار مردان جهان را داری کنی .

بند ۹

از آن توست آرمی، از توست حسه و منوی جهان آفرین ، ای خداوند جان و خرد
تو بهندگان خویش نیروی اختیار راه نیک و بختبیدی تا اینکه راهی برگزیند که راهبان
گرویده و یا آنکه رهبر غیر واقعی نشان داده است . دیبارت دیگر بسوی راستی در به حقیقتی گریزند
یا بسوی ذرفع در به غیر واقعی روی آورند .

بند ۱۰

انسان باید از زمین این دو سروری راست کردار و پارسا و آفریننده منش پاک را بنوا
پشتیبان در بهر واقعی برای خویش برگزیند . پروردگار را با در بهر فریکار با ظاهر بساکی همچو
از حافظه ای نیرومند بهره ور گردد .

بند ۱۱

ای خداوند خرد و حکامی که در روز ازل جسم جان آفریدی از منش خویش نیروی آفریننده

و خرد بخشیدی، زمانی که متن خاکی روان دیدی و به انسان نیروی کار کردن سخن گفتن؛
به سری کردن عنایت فرمودی خواستی تا هر کس بدخواه خود و با کمال آزادی گش خود را بگزیند.

بند ۱۲

همان گاه چه در و علو و در استکلو و چه دانا و نادان هر یک عقیده ای را که در دل آید
دارد آشکار خواهد ساخت و هر جا تردید و دودلی وجود داشته باشد آرمیشی و مظهر ایمان
و خداکاری بهنگم روان شتافته و او را راهنمایی خواهد نمود.

بند ۱۳

پروردگارا تو از (اندیشه و کردار) آشکار و نهان همه (آگاهی)؛ همچنین آنکه کسی
برای درناتی، از خطای کوچکلی سخت ترین کیفرتن در دهد با خبری. پروردگارا تو همه چیز را
با دیدگان روشن من برابر قانون اشاء بقت مراقبت کرده و می بینی.

بند ۱۴

ای هستی بخش برای آگاهی از تومی پرسم چه رویداد ما در گذشته رخ داده و در آینده
پیش خواهد آمد، ای مزود و طومار زندگانی نیکو کاران بدکاران چه پاداش کیفری ثبت
خواهد شد و وضع آنها در روز واپسین چگونه خواهد بود.

از تومی پرسم ای هستی بخشی که از رویداد های گذشته و آینده آگاهی یاب برای

مردان پارسا و نیکوکار چه مقرر گشته و در روز واپسین ای مراد با پیروان دروغ چگونه رفتار خواهند؟

بند ۱۵

ای هستی بخش از تومی پرسم کیفر کسی که نیروی دروغ و غلو زشت کردار را افزایش دهد چیست؟ همچنین کیفر یکدیگرهنگامی که جدائی انداختن مین مردم با ایمان در بهر راستی نذار و چگونه می باشد؟

بند ۱۶

پروردگارا از تو میپرسم هرگاه شخص نیک امیشت با تاب و توان در راه ترقی خانه شهر و کشور و پیشرفت راستی و دوستی کوشش کند از وصال تو برخوردار خواهد گردید؟ ای مراد! کی و چگونه چنین آرزوی برآورده خواهد شد؟

بند ۱۷

آیا که امیک از این دو شخص در پیشکده دار و پارسا و یا شخص زشت کردار نامک بتبرین باها برخوردار گردید؟ و اما باید با دانش خویش ندان را آگاه سازد، شاید که با بجزر و گمراه ماند.
ای خداوند جان و خرد باشد که راز و هوسن (یعنی عشق خدائی و برش ناک) بر همه آشکار گردد.

بند ۱۸

هیچکس نباید بجبار و دستور شخص تبه کار و گمراه کننده کوش دهد، چونکه چنین شخصی خانه دوز

و شهر و کشور را بپیرانی و تباهی خواهد کشانید، پس بر ما است که در برابر اینگونه نبردان، با سلاح پاکدامنی و پارسائی ایستادگی کنیم و آنگاه از خود دور سازیم.

بند ۱۹

ای هستی بخش بشود که مردم به سخنان درست اندیش و دانائی که آموزشایش در بخش روح و برای زندگی سودمند است گوش فرادهند و آنگاه راجکار بندند، بجسی گوش دهند که در کسرتش آئین راستی تواناست بیانی شیرین روان دارد، ای خداوند خرد با فروغ بناگ دانش، سر زشت هر دو گروه (دانا و نادان) را تعیین فرما.

بند ۲۰

کسی که بسوی راستی و پاکی روی آورد و (پارسائی را پیشه خود سازد)، جایگاهش سراسی روشنائی یابست خواهد بود، ولی شخص دروغگو و بدکار زمانی در بار باشیون فرس در تیرگی و کوره روشنی بسر نخواهد برد، بر راستی نیت پدید کردار نشت شخص بز به کار است که او را گرفتار زندگانی نکبت بار و عذاب وجدان خواهد ساخت.

بند ۲۱

خداوند جان و خرد از روی دانش و رسائی و بانیز روی الهام بخشش خویش کسانی را از بخشش کمال جاودانی، پاکی و راستی نیز روی معنوی و توانائی خدمت بخلق، اندیشه پاک ضمیر

اهنودکات - ات ۲۱
روشن بر خوردار خواهد ساخت که در اندیشه و کردار با او وفادار باشند؛

بند ۲۲

ای امپراتور امردا شخص خردمند و هوشیار و کسی که با منش خویش حقیقت درک میکند از قانون ایزدی آگاه است و با نیروی معنوی از راستی و پاکی پشتیبانی کرده و همتا و کردار خود را بر بزرگوارستی نخواهد آراست و در راه گسترش راستی گام برخواهد داشت. چنین شخصی نسبت به تو ای مرزاد فادار و شایسته ترین یار و مددکار مردم بشمار خواهد رفت.



« اهنودکات » یسنا هفات ۳۲ بند ۱

برای بر خور داری از بزرگترین خوشبختی خویشان و همکاران یاران نماز گزار تو میباشند و دیوان یاد پرستندگان تو ای طبیعت نیز امپراتور امردا، خداوند جان و خرد را تسایش کرده و همگی این آرزو را دارند: پروردگارا بشود که ما هم پیام رسان تو باشیم و آنانرا که بزود نام تو نفرت دارند دور بگردانیم.

توضیح

داشته مانی که خویشان همکاران یاران ترجمه شده است و او ساختن خویش -
و در زینم و آئینیم ما ذکر کرده و منظور شده که به اشور رشت پسر بران نزدیک

بودند و از لحاظ پاکدامنی و پارسائی و بزرگ منشی از سایر سپه روان برتری داشتند در بین
این سه گروه نیز بترتیب خود مانیان و خویشان بزرتشت بیشتر نزدیک بوده و مورد اعتماد
و اطمینان او قرار گرفته بودند و بعد از آنها همکاران یاران متبردار داشتند . اعضای انجمن
منع با و یا انجمن برادری اشوزرتشت را نیز افراد سه گروه مذکور تشکیل میدادند زیرا آنها افرادی
از خود گذشته و نسبت به سپه روانان بودند البته میتوان واژه ختیش *xraetush*
با شخاص سکی منغن با اراده ای بسیار قوی نیز ترجمه کرد .

خودمانی یا خویشان گروهی بودند که از هر لحاظ شایستگی داشتند و بیشتر پیغمبرزاد
بودند البته نه از نقطه نظر حیوانی بلکه از نظر دانش و بینش و پارسائی و پرستشکاری
درستی و درستی مورد احترام و اعتماد و زرتشت بودند، این گروه افرادی بودند که در راه گسترش
دین حاضر بغدادی جان خویش بودند .

بند ۲

ابورامزدا، خداوند جان و خرد که از روی حکمت و دانش بر جهان سروری میکند
در پر تو شهر یاری خویش با نماند چنین پاسخ داد :- آرمیتی پاک و مقدس را که با اش

۱. منظور است گروه یاد شده در بند اول میباشد .

۲. مظهر ایمان و ندادکاری و سهرتئی

تابناک دست نزدیک است برای شما برگزیده ایم. بکشید همیشه او را از آن خود بسازید.

بند ۳

ای کمران بت پرست شما همه از تبار و نژاد سیه دلان و کرم نشاند، کسانیکه
از شما پیروی کرده و شما زیاد از خدا احترام گذارند نیز از تبه کاران شما آیند.
کردار فحیلانه دریا کارهای شما از دروغ و خود ستانی سرچشمه گرفته است. این
در سر سرگستی بیدانمی شناخته شده اید و مورد تفرقه مردم میباشید.

بند ۴

ای بت پرستان شما اندیشه مردم را چنان پریشان ساخته اید که آنها کربشترین
مغاه گردند، از اندیشه پاک دوری جویند، از اراده خداوند خرد سپی نمایند و از این سگی
و پاکی گریزان باشند و سرانجام از دوستان و یاران دیوان بشمار آیند.

بند ۵

ای دیوانها! همانطور که اهرمن نابکار با اندیشه پلید خود شما را کمراه ساخت و با آموزش
نادست و نوید سروری و بزرگی بر او همان دروغ را بگردار زشت و ناپسند و آوار ساخت
همان گونه شما نیز مردم را کمراه ساخته و از زندگی کامل و خوشبختی جادو دانی محروم ساختید.

۱۰. منظور روح ایمان و خداکاری است. ۱۱. در اینجا منظور از کاران و پشیمانان کشتی پرستی هستند.

بند ۶

شخص گناہکار و گمراه ممکن است چندی با کردار زشت خویش ثمرت و آوازه ای بدست آورد
ولی ای هستی بخش، تو از روی غرور و حکمت خویش همه چیز را بسادگی و نسبت با غیره کسر
دادی خواهی کرد. ای خداوند غرور برستی سرانجام با برقراری سروری آسمانی تو آئین
جادوئی آشاورستی همه جا حکمفرما خواهد گشت.

بند ۷

هیچکدام از این گناهکاران از مفهوم مشرفیت واقعی که در اثر کار و تلاش حاصل و بزرگی
به انسان می آموزد آگاه نیستند و از آزمایش آتشین بی خبرند.
ای هستی بخش داناستها تو از فرجام گناهکاران آگاهی و درباره آنها و ادوی خواهی کرد.

بند ۸

جسد پسر و یونمان یکی از آن گناهکاران شناخته شده است زیرا برای جلب سبک
مردم و ارضای نفس خویش خداوند جهان را خوار شمرد، ای خداوند خسر من نسبت به ادوی تو
در روز واپسین در مورد گناهکاران ضایعیت کامل دارم.

بند ۹

آموزگار کج اندیش تعالیم مذهبی را تحریف کرده با آموزشهای نادرست خود انسان را گمراه

۱۰- پکار با فساد و انکار پدید و معاابد با استوار بیای زندگی آزمایشی است آتشین.

و از هدف اصلی و واقعی زندگی منحرف می‌سازد، او انسان را از توجه به سرمایه‌گرایی‌های راستی‌دستی و اندیشه پاک باز می‌دارد، ای خداوند خرد و ای مظهر پاکی و راستی با سخنانی که از قلب و رحم تراوش می‌کند بر کاهستان گلگه کرده و پناه می‌جویم .

بند ۱۰

آنها با احترام بر زمین و خورشید مکرستین را بدترین گناه می‌شمارند زیرا تعلیم مذهبی را تحریف می‌کنند . آنها نیک اندیشان را بسوی دروغ و کلاه‌پوشی می‌کشاند، کشتزارها را ویران کرده و بر علیه پرهیزکاران سلاح بکار می‌بندد .

بند ۱۱

ای خداوند خرد آمان! بدکاران را بواسطه شکوه و جلال مادی بزرگ می‌شمارند، زنان و مردان شریف را از رسیدن آرزوی خود و برخورداری از نجاشی آزادی باز می‌دارند . پارسایان و راستی‌گرایان را پریشان و منحرف می‌سازند و زندگانی را فاسد و تباہ می‌کنند .

بند ۱۲

آنها با آموزش نادرست کوشش می‌کنند مردم را از انجام کار نیک و شایسته باز دارند و با کتاف فریبنده مردم را همراه ساخته زندگانی آنها را تباہ سازند آنگاه در اثر کج اندیشی گروهی

۸۱. اشاره به آموزگارانی کج اندیش و گمراه کننده است .

درنده‌ای چون گرگها و کربان‌ها را بر استان و پاکان برتری داده و برای پوخواهان دروغ
آرزوی سروری میکنند ولی مزد خداوند خرد برای آنان کفر نخبی مقرر داشته است .

بند ۱۳

قدرتی که این گرگان عریص (یعنی گرگها) در راه تبه‌کاری و کج‌اندیشی بست‌یادند
سرانجام موجب بدبختی و تباهی زندگی خود آنها خواهد گشت .
ای خداوند خرد آنگاه همین گرگان آزنند بایل شدید آرزوی پیام مقدس پیام آور ترا
خواهند داشت ، پیام آوری که نیکان و پاکان را در برابر تهدید دشمنان حفظ خواهد کرد .

بند ۱۴

دیربازی است که گرگهای آزنند با کج‌اندیشی و سروری خود را برای پیام
اندختن پیام آور تو متمرکز ساخته اند . آنان از پوخواهان دروغ و مکر بان یاری جویند و برای
جهان آفرینش فساد و تباهی آرزو کنند بدین امید که سکت نا پذیر آنها را یاری خواهد کرد .

بند ۱۵

برآستی کومی‌ها و کربان‌ها سرانجام بست همان کسانی که از آنها سلب‌آزاد

۱- دشمنان زرتشت و فرمان‌روایانی که حاضر بشنیدن سخنان ستم‌سالار و پسر پسران بودند و بکلمه BREHMA
سی درنا بودی زرتشت داشتند . ۲- اشاره به ایندهم است که با صفت سکت نا پذیری توصیف شده است . این
ایزد طرف توجه دروغ پرستان بود است . ۳- کومی و کربان در اینجا مفهوم سلان بزرگان دیرینا آمده و
و بجایان اطلاق شده است که در دیدن و شنیدن حقیقت هم‌اکنون و گریه‌کنند .

کرده اند، سگت خورده و تباہ خواهند گشت و آنان که از نعمت آزادی محروم بوده اند در ترو و خویش
ایزدی (کمال و جادو دانی) از سرمای منسپان یا بهشت بهره خواهند برد.

بند ۱۶

براستی آموزش واقعی و خردمندانه شخص پارسا بهتر از هر چیز است، ای خداوند خرد و هستی بخش
ترا توانائی برهم زدن نقشه کمانی است که مرا به آزار تهدید نکنند، من کوشش میکنم نفرت و دشمنی
هوخواهان دروغ را نسبت به پیران و دل باحقان تو باز دارم.



اهنوکات هات ۳۳ - بند ۱

هر کس در این جهان باید برابر آئین ازلی و آشا، یاراشی که بنیاد زندگی را تشکیل میدهد
زفا کند زیرا تو یار رهبر روحانی با کمال بی نظری و از روی وجدان نسبت به نیکان بدان داده
خواهد کرد و کردار نیک زشت آثار ابادت خواهد بخشید.

بند ۲

کسی که با اندیشه و گفتار و کردار و با بازوان خویش با بدکاران پکار کند نقشه اسباب
مقیم سازد و یا آنان را براه راست رهبری کند بدستی چنین شخصی خواست پروردگار را انجام
داده و بخداوند جان و خرد عشق میوزد.

بند ۳

ای خدای هستی بخش، کیسکه بچکان پکان خواه از گروه خودمانی و بهکار و خواه دست
بامردود ز قار کند کسی که از آفرینش نیک پروردگار گنجداری نماید، بر اوستی چنین شخصی از
کشور خرم راستی و نیش پاک یعنی بشت بر خوردار خواهد شد.

بند ۴

ای خداوند خرد ترا پرستش کرده و آرزو دارم بی ایمانی و بماندیشی از بندگان نیک
تو دور گردد. همچنین آرزو دارم از خودمانی تا خیره سری و کج خیالی، از بهکار فریب دشمنی
نزدیکان و از دوست نامترا کویان و کوهش کنندگان از پنهان جهان هستی رهبر دروغ پرداز
و فریبکار دور گردد.

بند ۵

برای رسیدن آرزومان و هدف خویش سر و شس بزرگترین یاد و نارا بکجک علمی بستم
آرزو دارم از زندگانی دراز بر خوردار و بکشور نیش پاک در آیم. با بکک راستی و پاک و پیوند
راه پارسانی بجایگای که ملکوت آسمانی اهورا فردا است راه یابم.

بند ۶

پروردگار اچون پرستنده پرهنر کاری که بر اوستی پکانی ایمانی استوار دارد تا تمام جوک

روح پاک ترامی ستایم و از اندیشه حکمت بارت خواستارم مأموریت ارشاد و سببری را چنانکه
اراده توست انجام دهم . ای خداوند جان و خرد آرزو دارم بیدار و شورت باتو (مانند یک دوست)
نایل آیم .

بند ۷

ای از همه بستر و ای خداوند خرد بسوی من آید و خودتان را بمن آشکار سازید تا در تپ
راستی و منش پاک گذشته از انجمن مغان دیگران هم سخنانم گوش فرادهند .
پروردگارا ما را از تکالیف بسته و احترامات شایسته و درخور خویش با یکایان روشن ساز .

بند ۸

پروردگارا هدف نمائی و مأموریتیم را بخوبی بمن نشان ده تا در تو اندیشه پاک آن انجام
دهم و ستایش ترا ای خداوند خرد بجای آرم . پروردگارا سر و دستایم را که از روی راستی
و قلبی پاک تراوش میکند پذیر و نجاشیسانی و جاودانی را بمن ارزانی فرما .

بند ۹

ای خداوند خرد این دو نیروی بزرگ^{۱۱} افزاینده راستی و پاکی را که از آن تست تنها با
خرد و دانش و فروغ بصیرت و منش پرست توان آورد . بشود که در پر تو بهترین منش از نجاشی

۱۱- منظور از این دو نیروی بزرگ رسانی و جاودانی است که در بند پیش بیان اشاره شده است .

این دو نیروی همکار و یگان برخوردار گردیم .

بند ۱۰

ای خداوند خرد آسایش و خوشیهای زندگی که بوده و هست دخواهد بود همه از توست .
پروردگار از روی مهر و کرم خویش آنها را بنا بر زانی دار و در پرورش پاک و نیروی درستی در
ما را با جوشختی جاودانی بهم قرین ساز .

بند ۱۱

ای اهورا مزدا ای توانا تر از همه با آریشتی مظهر ایمان و فداکاری، آشتیاری استی تا
آبادکننده جهان، و بون «مظراندیشه پاک و محبت، خشترا» مظهر نیروی معنوی و
اقدار ملکوتی، بمن گوش فرا دهید و در آن روزی که بر یک پادشاه کردار خشنه بمن
مهربان باشید و آمرزش خود را از من دریغ نکنید .

بند ۱۲

ای اهورا «ای خدای هستی بخش» خودت را بر من آشکار ساز و در تو ایمان
و فداکاری بمن نیروی معنوی بخش ، ای خداوند خرد بیاری پاکترین روح «روح القدس»
خود پرستتم را با نیکویی با پادشاه ده . بیاری راستی و پاکی مرا از نیروی بسیار بخود

ساز و در پرتو و بوسن یا خرد و منش پاک سردی در سبزی مردم را بمن بخش

بند ۱۳

ای پروردگار تیرمین! برای بر خو، داری از شادمانی و خوشبختی بخشایش بمانند را
من بنا. ای هستی بخش، بخشایشی را که از خشترا «مطر قدرت و ملکوت آسمانی تو» و
و بوسن «مطر منش پاک و محبت همبوع» سرچشمه می گیر و من از زانی دار. ای از منشی مقدس
«ای مطر عشق و بردباری و ایمان بخدا»، بوسید راستی دلها می مارا روشن ساز تا نفس واقعی
و ضمیر باطنی خود را درک نمایم.

بند ۱۴

ز زشت همه جسم و جان خود را با برگزیده ترین منش پاک خود چون مشکینی بی ارزش
بخدا و خرد نیاز میکند و با فرمانبرداری از دستورات الهی و سرسپردگی کردار و گفتار همه
نیروی خود را به اشا ارمان می آورد!

۱۱- آگاه از آینه دور

۱۲- منظور آن است که زشت با تمام نیرو و سرسپردگی کردار و گفتار خود را با راستی خواهد آراست

و در راه راستی جان خود را فدا خواهد نمود.

«انہودکات» ھاٹ ۳۴ - بند ۱

ای فردا، رفتار و گھار نیک و پرستش بی ریائی کہ در تو آہنا مردم از بخشایش جاودا
دپارسانی و نیروی معنوی و رسانی برخوردار میگردد و نہ ہسہ را سخت تو ای خداوند پرستش
پیش مینمایم .

بند ۲

پروردگار مرد نیک اندیش و پارسانی کہ روانش باراستی ہمگام است ، تنہا تو
می اندیشد و کردار نیک خود را بنیاز میکند ، ای اہورامزدا بشود کہ نیایش کُمان نرسود
سائیش کو یا تو نزدیک شویم .

بند ۳

ای خدای ہستی بخش با کمال احترام آنچه در خورد و سنا و از تو دانا منظرہ اپستی
پاکی است بجایا دریم . بشود کہ ہمہ جہانیاں در پر تو منش پاک و در کشور «جاودالی تو» برسانی
رسند ، ای خداوند خرد برآستی مرد دانا و روشن بین ہمارہ از نیروی معنوی برخوردار میباشند .

بند ۴

ای خدای ہستی بخش ، ما فروع توانا می تو را کہ در پر تو را پستی فروزان است خواهیم .

۱۰ کار خود را با نام تو و با توکل تو انجام میدہد .

آن شعله فروزانی که ابدی و نیر و منداست و پیر و ان راستی را آشکارا از منمون گشته یار
می بخشد . ای خداوند بخرد همین شعله فروزانت که پلیدی نهفته در نهاد بدخواهان اما آشکار سازد .

بند ۵

پروردگارا چه شکر فاست نیر و توئی ! چقدر آرزو دارم ای خداوند بخرد که بگردا
نیک و خدمت به بشر و در پر تو راستی و منش پاک و دستگیری از در سنگان و بیچارگان تو
پیویم . پروردگارا تو را برتر از همه میدانم و مخالف خدایان در ضمن تباهاکاران میباشم .

بند ۶

ای خداوند بخرد ، ای مظهر راستی و روشندلی ، چون برستی تو را حسین « بر تو بالا
از همه » شناختم پس آرزو مندم در سراسر دوران زندگی مرا در همنامی کنی تا با صمیم قلب ایما
کال تو را ستایش و نیایش کرده و بویت باز گردم .

بند ۷

ای مزدا ، کجا بنده تاشیگران با وفائی که در پر تو منیش پاک و آگاه ای ز امورش های
پراج آمین به سنگام بختی و سختی از تو روی بر تانند و با هوش و درایت آن آموزش تارا بگا
بنده و در گترش پاک مقدس تو بگوشند . پروردگارا کسی دیگر را جز تو نمی شناسم و
خواستارم ما را در پر تو راستی یاور و پناه باشی .

بند ۸

برای دروغ پرستان با کردار رشت خویش ما را بر اسان سازند، چونکه آنان تباهی و
 ویرانی بر مردم آورند و نیرومندانشان بر ناتوانان ستم روا دارند - ای خداوند خردآنان
 بآمین معذرت تو «یعنی قانون آشا» توجی مکرده همیشه از راستی روگرداند و منیش
 پاک از آسنا گریزان است؛

بند ۹

ای مزد اکنانی که بازشت کرداری و سخبری از منیش پاک فرزدگان پست آریستی^{۱۰}
 را که نزد بگردان گرامی است خوار شمرند از آنان راستی دور خواهد ماند چنانکه تبه کاران با
 مایلات پلید شیطانی خویش از ما دوری جویند .

بند ۱۰

مرد خسته دمنده با آگاهی از اینکه عشق و ایمان بجزا سرچشمه و قوی راستی است گمراه
 درشتکاران را به پرورش منیش پاک و انجام کار نیک و مهرورزی بدگیران اندرز خواهد داد
 و سرانجام امی خداوند جان و خرد همه ز شکر داران با آگاهی از حقیقت بسوی تو خواهند آمد .

۱۰ - منیش پاک از آنان گریزان است، منظور اشخاص عاقل و نیک اندیش است که از دروغ پرستان گریزانند .

۱۱ - عشق و فداکاری و ایمان و فرودنی از فرزدگان آریستی میباشد .

بند ۱۱

پروردگارا در بخشش، رسانی و جاودانی مردم را بفرغِ معنوی و روشن درونی خود رسانید. در پی تیروی اراده، بخشش پاک، راستی و پاکی، عشق و ایمان بخدا، زهد گامی پایدار و نیروی معنوی افزایش خواهد یافت. اسی خداوند خرد در بر تو این فرزندگان دشمنان فیروزی توان یافت.

بند ۱۲

پروردگارا کدومت آیینِ پشیرت چیست اراده تو؟ چه نیایش و پرستشی سزاوارت است؟ اسی خداوند خرد آنرا آشکارا بمانمای تا با پیروی از دستورات تو از پاداشی که نوید داده شده است بهره مند گردیم. پروردگارا در پی تو راستی راه پاک نشی و خودت را بیا موز.

بند ۱۳

اسی خدای هستی بخش راهی که بمن نشان دادی راه نیک نشی است، راهی که بر بنیای آموزش سوشانت؛ «سود رسانندگان و نجات دهندگان»، قرار گرفته است. آموزشی که توصیه میکند هر کارنگلی که بمنظور انجام کار و در پی تو راستی انجام شود شادمانی بیار خواهد آورد، آموزشی که انسان را بخرد و دانش واقعی برپری میکند پاداش

آن رسیدن بہت اسی خداوندِ خرد .

بند ۱۴

اسی خداوندِ خرد کسانلی از آن پادشک کہ ان بہا کہ نوید داده شدہ بہرہ مند خواہر کرد
کہ کار از روی خرد و منہش پاک انجام دہند ، برای مشیرت و آبادانی جہان کوشش نمایند
خواست خداوند ہستی بخش را بر آوردہ سازند و در پرورستی و پائی در مشیرت ارادہ الہی
کوشا باشند .

بند ۱۵

اسی خداوندِ خرد مرا از بہترین گفتار و کردار بیاکامان تا در تو این امور بخش با اندیشہ
روشن و قلبی پاک تاسیت را بجای آورم . اسی ہستی بخش بزرگ بانیروی خویش چنان
کہ از کین مذکی نوین و سرشار از راستی بہرہ مند کردم .



«نشود کات» هات ۲۳ یسا بند ۱

مردا اهورانی که فرمانروای مطلق است چنین مقرر فرموده: خوشبختی از آن کسی است که دیگران را خوشبخت سازد. پروردگارا برای استوار ماندن بامین راستی از تو نریزی تن دروان را خواستارم. ای آریشتی، ای منظر ایمان و محبت، آن پر تو ایزدی که پاداش زندگانی سراسرنیک منشی است بن ارزانی دار.

بند ۲

براستی چنین کسی از بهترین نجاشی ایزدی برخوردار خواهد شد. کسی را که آرزوی رسیدن است و برای رسیدن بآن تلاش میکند، ای مزدادر پر تو خرد مقدس آگاه خویش بدور نشانی درون ارزانی دار. پروردگارا در پر تو آشا «قانون ازلی راستی و پاکی»، مارا از حکمت و دانش که از نجاشی و هوس است برخوردار ساز تا طی زندگانی در از ازشادی سرور بهره مند گردیم.

بند ۳

براستی کسی از بهترین نیکی برخوردار خواهد شد که در جهان مادی راه راستی و خوشبختی را آموزد و در جهان مینوی مارا راستکار سازد. راهی که مارا بجهان حقیقت و راستی آنگاه که بارگاه قدس است رهبری کند. ای مزدایشنگان حقیقت دلدادگان تو در پر تو خرد

۱- اشاره کبی است که دیگران را خوشبخت سازد در بند اول سرود بحث دارکرفت

۲- بهترین نیکی، منظور بهترین نجاشی ایزدی است. ۶۲

تقدس سر انجام تو خواهند پوست .

بند ۴

ای مزدا بهنگامی ترا نیر و مند و پاک خواهیم ساخت که در پرتو توانانی ات آرزوهای ما
بر آورده شود و بهو اخوا امان راستی و دروغ هردو بپاداش و کفر مقرر رسند، آنگاه که فرغ
تو در تبلم بدرشد و گرمی بنجد رو نم نیروی راستی را احساس کرده اندیشه پاک با تمام
توان بمن روی خواهد آورد .

بند ۵

ای مزدا اهورا، خداوند جان و خرد، آنگاه تو را پاک و صدش شناختم که ترا سر آغاز
زندگی و ازلی میستم، زمانی که برای اندیشه و گفتار و کردار نیک پاداش معین فرمودی
و در پرتو خرد و حکمت خویش مقرر داشتی که بدی از برای بدان و نیکی از برای نیکیان خواهد بود
و این امر تا روز واپسین و پایان هستی ادامه خواهد داشت .

بند ۶

ای مزدا در آن زمان که خرد پاک تو، خسترا و و هومن بسوی ما آیند، آنگاه جهان
هستی بسوی راستی و درستی پیشرفت خواهد کرد و نوشته آرمیستی نور محبت و ایمان با در دل
را در مردان روشن کرده آنان را بسوی حقیقت رسیبری خواهند نمود و یسچکس را یا رایی و نفقین پر کاد

بند ۷

آنگاه ای مزدا اهورا ترا پاک و مقدس شناختم که اندیشه پاک بمن روی آورد و از من پرسید
کیتی؟ و از کدام خاندانی؟ هنگام ترویید و دودلی چه راهی را بر خواهی گزید؟ راهی که بزرگ
برادران و نزدیکان دوست و یا آنکه بود خودت می باشد .

بند ۸

آنگاه چنین پاسخ دادم: من زرتشت دشمن سرسخت فروغ و در و گلویمان هستم و تا
آنجا که مرا نیرو و توان است با آنها پیکار خواهم کرد ولی با تمام قدرت یا در پشتیبان نیکنان
در سگداران خواهم بود . پروردگارا بشود که از نیروی معنوی و بکرات برخوردار گردم همیشه
سرسپرده و تسلیگر تو باشم ای مزدا

بند ۹

ای خداوند جان و خرد آنگاه ترا پاک و مقدس شناختم که منس پاک بمن روی آورد و در حقیقت
و معرفت تعلیم راه یافت . پرسیدم چه کسی را خواستاری پیش از همه مورد نماز و ستایش
قرار گیرد «خود چنین پاسخ گفتم، تا زمانی که مرا نیرو و توان است فروغ تا بنانک و معنوی تو را ای مزدا

۱۱. پرسش کردن اشر زرتشت از زوین منظر برتری حقان بادیده روشن بین داندیشه لطف و بیکلاست .

۱۲. فروغ تا بنانک و معنوی منظر فروغ ایمان بخدا می باشد .

می ستایم و باین راستی دل خواهیم بست .

بند ۱۰

پروردگارا مرا بسوی راستی و پکی که نهایت آرزوی من است رهبری کن تا بسوی از
آزمیستی ، منظر ایمان و محبت ، برسانی نایل آیم . پروردگارا اکنون ما را بسایزهای تا ایمان خود
ثبوت رسانیم . آزمایش های تو چنان است که با انسان نیروی مغوی خود بخشید ، بویژه
رهبرانی که از سوی تو ای مزد الهام گرفته اند با نیرو و شجاعت مردم را راهنمایی کرده و شجاعت
تو را انجام خواهند داد .

بند ۱۱

ای خداوند جان و خرد ، آنگاه تو را پاک و مستطین شناختم که منس نیک بمن بروی
آورد و در تو سخنان الهام بخش تو بصیرت بنیش یافتم . هر چند در یاقه ام که ایجاد ایمان
در دل مردم کاست بس فشار ، ولی پروردگارا من آنچه را که از دیدگاه تو بهترین کار ساخته
شده است با کوشش و فداکاری انجام خواهم داد .

بند ۱۲

آنگاه که بمن فرمودی : « بادانش کمال از راه پستی بسوی کن » بنحی گفتمی که خواسته
« قلبی من بود ، من کوشش خواهم کرد تا فرشته سُرُوش « یا ندای وجدان » را در درونم بیاد

۱۱. آزمایشات منظر عقل منی او ، بسوی راهی زندگی است که زشت با آن روبرو بود .

کرده، تبسم را از پر تو ایزدی روشن سازم و باین حقیقت آگاهی حاصل کنم که هر کس از گروه
نیکان و بدان آنچه را سزاوار است بدو پاداش بخشیده خواهد شد

بند ۱۳

ای خداوند جان و خرد، آنگاه ترا پاک و مقدس جشنم که منش پاک بمن رو آورد
نور حقیقت و معرفت بقلبم راه یافت. پروردگار برای رسیدن بغایت آمان آرزوی
خویش زندگانی در زمین ارزانی دار، آن چیزی که جز تو کسی دیگر را یاری بخشیدن
نیست آن زندگانی مطلوب آرزو شده که سرشار از خدمت بهمنوع و فعالیت برای پیشرفت
جهانیان بوده و خجسته‌ترائی تو بکی دارد.

بند ۱۴

ای مرزا آن سان که مردد و سیر و توانائی بد دست خود مهربانی کرده و در اراش
می بخشد، به پیروانم شادی فزون از اندازه بخش آن شادی و سروری که در پر تو راستی
بدست آید و در قدرت شریاری نشت. پروردگار امن از آئین راستی و همه کسانی که
پیام آور آسمانی ترا می سرانید پشتیبانی خواهم کرد.

۱. منظور از خجسته‌ترائی قدرت جهانی و نیروی اراده و صفت در راه انجام خدمت مردم و فعالیت برای آبادانی
و پیشرفت جهان میباشد خجسته‌تر منهدم است بلا بر نفس و چیزی که برای مال و پوس نیز میباشد.

بند ۱۵

ای خداوند جان و فرود آنگاه ترا پاک و مقدس شناختم که منش پاک بمن روی آورد و نور
حقیقت و معرفت بقلوبم راه یافت . آنگاه دریافتم که اندیشه آرام و ژرف بهترین وسیله کسب دانش
و نیش مغنوی است و هیچ رهبری شایسته نیست با هوای امان دُر و غ از در آشتی در آید زیرا
آمان پرهنر کاران و در دستگرداران را دشمن همشگی خود پندارند .

بند ۱۶

ای خداوند جان و فرود ز رشت برای خویش پاکترین فرود را بنظر راهسماگرزید بشود که
راستی و درستی زندگانی مادی ما را نسیر و مند سازد . بشود که نیروی مغنوی با نور ایمان و محبت
چون پرتو درخشان خورشید قلوب ما را روشن سازد . پروردگارا بجانیکه در پرتو منش پاک و عقل خود
کاری انجام میدهند پا د آتش بخش .

هاتف ۴۳ - بند ۱

ای همی بخش کن . با فزونی از تو پریشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .
آیا پرستش تو را چگونه باید بجای آورد ؟ ای مزدا قلب من از صحرای لبریز است ، بگذار کسی که
ترا خوب میشناسد راه دست را بمن نشان دهد . پروردگارا بشود که در پرتو راستی و درستی
از یاری تو برخوردار گشته و دیده دلمان از نور پاک منشی و ژرف بینی روشن گردد .

بند ۸

ای هستی بخش تیا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را برین آشکار سازی .
 تا بتوانم ای مرزا در مورد آنچه که از سوی تو الهام شده است بپندشیم . پروردگارا ، خواستارم
 در پرورش نیک ، آموزش های ترا درک نمایم و در پرورش استی و پاکی از زسانی در
 زندگی برخوردار گردم . پروردگارا ، چگونه و با انجام چه نیکی های روانم زشادی و آرامش
 بهره مند خواهد شد .

بند ۹

ای هستی بخش تیا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را برین آشکار سازی .
 چگونه وجود خود را در بست در انجام خدمت مقدس با تمام نیرو و توان تو نشان کنم ؟ این حقیقت را
 دانش دین بمن بیاموزد . ای مرزا ، فدائی تو در پرورش استی و نش پاک ، و خدمت بوم
 با تمام نیرو و سر انجام در جایگاه تو یعنی بهشت ما را خواهد گردید .

بند ۱۰

ای هستی بخش تیا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را برین آشکار سازی .
 پروردگارا ، از این الهام بخش خود که برای مردم جهان بهترین موهبت است مرا آگاه ساز ،
 آمینی که بار اوستی به کام بوده و به شرفیت جهان هستی بگفت میخند . پروردگارا ، آرزوی منی یا

«بشتر، گات. ۱۰. ات ۴۴»
نور ایمان را در قلبمان روشن باز تا در پر تو آن کارهای مابوسی رستی و درستی گرایش پیدا
کند. ای مراد ما را بدایت فرماتما خواست آرزوی نهانی ما رسیدن تو باشد.

بند ۱۱

ای هستی بخش تجا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .
چگونه ایمان بخدا و نرم خوئی و محیر و رزی در قلب کسانی که آئین الهام بخش تو برایشان اظهار
شده است جای خواهد گرفت ، پروردگارا میدانم که تو مرا برای انجام این کار بزرگ بعنوان
نخستین آموزگار برگزیده ای . بنابراین تنهائی کسانی که ترا فرمانبردارند از دوستان
دیگران را دشمن خواهیم شمرد .

بند ۱۲

ای هستی بخش تجا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .
آیا کدام یک از طرفین راستی یا دروغ روی آورم ؟ آیا با هوای خودمان دروغ که سینه کارند
گهلو کنیم یا کسانی که از بدکاران بچ میزند ؟ آیا دروغ پرستانی که بجایش گرانجایی
ترا خوار می شمارند اندیشه و قلب آنها را یساهی دروغ ورستی فرا گرفته است ؟

بند ۱۳

ای هستی بخش تجا ، از تو پرشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی

چگونه باید دیو دوزخ را از خود برانیم؟ پروردگارا از اشخاص بی دین ایمان دوری خواهیم کرد.
و از کسانی که پیوند خود را با راستی و خرد گسته و نسبت بمنش نیک و بشکی نشان میدهند و کوششی
در راه کرایش به این فرزندگان دیره نمینمایند پهنتر خواهیم کرد.

بند ۱۴

ای هستی بخش کجا، از تو پرستی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی.
چگونه باید در دوزخ را بدست راستی سپرد تا با آموزش کلام آسمانی روحش از آلودگی پاک گردد.
ای مزد ابا و ارد ساختن شکست کمال به هوای انسان دوزخ و تباها کاران، فریب و نفرت
آنها را از زمین برده بی اثر خواهیم ساخت.

بند ۱۵

ای هستی بخش کجا، از تو پرستی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی.
پروردگارا بر اوستی تو توانا هستی که در پرتو آشامرا از گزند فریبکاران و نفرت در دوزخ یان بگذرد
فرمانی، هنگامی که دوسپاه دشمن در برابر یکدیگر صفا رانی کرده و بهم می تازند، آنگاه ای
مزد ابر بر قانون ایزدی، کدام یک از دو گروه «مزد ابرستان و هوایان دوزخ»
و در کجا از فیروزی برخوردار خواهند شد.

بند ۱۶

ای ہستی بخش تیا . از تو پرشی دارم و خواہستم حقیقت را بر من آشکار سازی .
کیت آن شخص دلیر و فیروز مندی کہ در پرتو آموزشہای ایزدی ما را پناہ بخشد ؟ پروردگار را
از راہ الہام رہبر دانا و درمان بخش زندگی را بمن نشان دہ و اورا با « سرشوش »
روح فرمانبرداری از دستور ایزدی و روشن ضمیری برخوردار ساز . پروردگار این
دو بخش بزرگ را بہر کس کہ دوست داری ارزانی فرما .

بند ۱۷

ای ہستی بخش تیا . از تو پرشی دارم و خواہستم حقیقت را بر من آشکار سازی .
ای مزد اچگونہ بار اہنسانی تو بہدف آماج خویش کہ پوئین تو و کی شدن با مشوق است
دست خواہم یافت ؟ پروردگار را . کی با گفتار شیوا و نوثر و در پرتو آشا و پیام آسانے
تو کہ بہترین را بہناست مردم را بوسی رسانی و جاودانی رہبری خواہم کرد .

بند ۱۸

ای ہستی بخش تیا . از تو پرشی دارم و خواہستم حقیقت را بر من آشکار سازی .

چگونه «پرتو آشا» راستی و پائی «پاداش» و خواه را که عبارت از تسلط بر دهه مادیان است
بایزوی اب اندیشه است بت خواهم آورد و بروشنائی حقیقی و سرمدی خواهم رسید .
ای فردا از رسائی و جاودانی کی برخوردار خواهم شد تا بهر دو بخش بزرگ را برای رستگاری
مردم جهان ارمغان دهم .

بند ۱۹

ای ستمی بخشگیا ، از تو پرشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .
پروردگارا هنگامیکه شخص نیازمند در آستانگی بجای نکند پاداش از تو انکاران پانچ سرده شوند
چه سزائی برای اینگونه افعال کاران مقرر فرموده ای ؟ من از کفری که برابر آئین
ایزوی پس از مرگ و در روز واپسین در انتظار آناست بخوبی آگاهم .

بند ۲۰

ای فردا از تو میسرسم چطور امکان دارد دیوان از شهریاران نیک باشند .

۱۰ - در این بند واژه های مانند دیوان اسب بیشتر بکار رفته است که زرتشت بعنوان پادشاه خداوند آرزو کرده است .
گرچه واژه های که در تصویر ظاهر معنی حیوانات را میدهد ولی در باطن رمزینی است که دارای مفاهیم عرفانی و مینوی میباشند
صفت حواس و حاکم . شنوائی ، بینائی ، چشائی ، بویائی ، لمس کردن ، توانائی ، پویائی ، کلا آئی ، فهمیدن با دایمان
تشبیه شده اند که انسان را بر نگاه پنجگی و چهارگی میخاند و تنها اسب نیرزند اندیشاست که سینه اندام دیوان ای حواس را بنا
کرده و بر آناست طپید کند و به اشتیاق بروشنائی حقیقی و سرمدی دست یابد و نور حقیقت را بعنوان پاداش دریافت کند .

کسانی که برای ارضای بوس نامی خویش و انجام مقاصد خود خوابانه میخکندند و با کمک گریبان
و کاویان و او شیخ جهان را بهت خشم و نفرت سپرده و جهانیان را بناله و فغان میآوردند.
آیا اینها بیچگاه کوشی خواهند کرد تا در پرتو راستی و درستی موجب مشرفیت و آبادانی
جهان گردند و آسختی و آرامش را برقرار سازند و گمشده دهند.

بش... نکات : ۴۵ - بند ۱

ای کسانی که از دور و نزدیک برای آگاه شدن آمدهاید، من اکنون برایتان سخن میگویم
گفت گوش فرا دهید و بشنوید حقایق روشنی را که برای شما میآموزم، با دقت بخاطر بسپارید
سبا و ابار دیگر آموزگار بدخواه زندگانی مردم را تباه سازد و دروغ پرست با کج آموزی
خویش آنانرا همراه نماید.

بند ۲

اکنون درباره دو سنیو یاده گوهری که در آغاز زندگانی وجود داشتند سخن میگویم
گفت از این دو گوهر آن یکی که پاک و متعصب بود بهمهرا و خویش گوهر پرلید چنین گفت :
بیچگاه اندیشه و آموزش اراده و ایمان گفتار و کردار و وجدان باید که سار نشسته

۱. کاویان و گریبان او شیخ از گروه مخالفین سر سخت اشوزشت و پیروان دینی دروغ پرستان بودند.

بند ۳

الآن از حقایق و اصول آئین زندگی آن چنانکه هستی بخش دانا من آموخت آشکار
خواهم ساخت . کسانیکه کلام معده پس مزد را بکار بندند و چنانکه من آموخته ام سرپیچند ،
پایان زندگی آنها پشیمانی و آه و افسوس خواهد بود .

بند ۴

الآن ز بهترین بدف آمان زندگی سخن خواهم گفت و حقیقتی را که در پرتو آسایش در یافته ام
بیان خواهم داشت و آن اینکه آئین زندگی در پرتو راستی را فرود ، خدای یکتا و دانا مقرر فرمود ،
پروردگاری که سرچشمه نیک و فعال است و ایمان و محبت دختر نیکو کار او بشمار میرود ،
هستی بخش یکتا و از همه خیر آگاه را نتوان فریفتن .

بند ۵

ایدون از سخانی که از سوی پروردگار بمن الهام شده است گهلو خواهم کرد . سخانی که
شنیدن و بکار بستن آن در زندگی برای مردم بهترین است . کسانیکه این آموزش را با جان
دل پذیرا شده و فرمان برند ، از بخشش رسانی و جاودانی برخوردار خواهند شد ، اندیشه نیک ،
آنها را با انجام کار نیک شایسته بنمون خواهد کرد و در سر انجام نبرایت اهورا مزدا در دشمنانی

بند ۶

من اکنون از کسی که بزرگتر از همه است سخن خواهم گفت. باراستی پاکي سردار ما
در پروهایش راستایش میکنیم و آرزو داریم هستی بخش یکتا در پرتو خرد متدلسخوش نیایش را
باشنود، بشود که در پرتو منش پاک و محبت ایمان با دوست یابیم، پروردگارا در پرتو خرد
مرا بسوی روشنائی حقیقی «یا آنچه که بهترین است» رهبری فرما.

بند ۷

همه دستکاری از او خواهند، چه آنکه زنده اند چه کسانی که از جهان فرستد و یا
در آینده پابعرضه وجود خواهند گذاشت، روان شخص پارسا درست کردار کامروا گشته و از بخش
جادو دانی برخوردار خواهد شد، ولی هواخواه دروغ و تبه کار از درود و عدالی که همیشه تجدید میگردد
برنج خواهد برد. این قانون را، هستی بخش دانا و یکتا از توانائی خویش مقرر فرموده است.

بند ۸

چون اهورامزدا را با دیده دل دیده ام، کوشش خواهم کرد با سرودهای ستایش تو جیش را
بسوی خود جلب کنم و از آنجا که با اندیشه و گفتار و کردار نیک و در پرتو راستی و درستی دریافته ام که
اهورامزدا، هستی بخش دانا و پروردگار یکتا است. بنابراین نیایشهای قلبی و ستایش خود را

بند ۹

لطف و بخشش پروردگار و دہون «منش پاک»، را خواستارم، چونکہ نجاست
دارادہ پروردگار شادی و بچ ہر دو برای آفریدہ شدہ است، بشود کہ ہستی بخش دانا در تو
توانائی خویش نیروی کار کردن و خدمت بما ارزانی فرماید تا بانس پاک و دانش مردم
بسوی راستی و حقیقت مشیرت دہم .

بند ۱۰

با درود و ستایش قلبی ایمانی پاک اورا بزرگ خوا، ایسم داشت، کیکہ در تو نیروی
خویش ہستی بخش دانا و کتا و آفرید کار ہر دو جهان نامیدہ شدہ است، پروردگاری کہ در تو
قانون ازلی و اندیشہ رسا و شہیاری خویش مردم جهان رسانی و جاودانی نوید دادہ است
و آہنار بہ برخورداری از نیروی تن و پایداری روان امیدوار ساختہ است .

بند ۱۱

کسانی کہ بابت پرستان ہوا خواہان آہنا دشمنی درزند و بچین کسانی کہ نام
پروردگار را بے نیکی یاد کردہ و سوشانت نامی دانا و یاوردین راستین را کرامی دارند، فرود آہوا
با آنان چون دوستی صمیمی برادر و پدیری مہربان خواہد بود و راہشان با کسانی کہ کتیا ہوا را را

خوار شمارند و از او برشتی یاد کنند کما تاجد است .

«استودکات» هات ۴۶ - بند ۱

بکلام سز زمین روی آدم؟ بجز از ته پناه جویم؟ خوشی نام مرا ترک گفته . و دوست نام از من روی گردانند . از همکاران کسی مرا نخرسند نمی سازد و فرمانروایان کشور نیز همگی بد بوخ کرایش یافته اند . ای هستی بخش بزرگ چگونه خواهیم توانست با انجام ماتموتیت ترا خوشود نامم .

بند ۲

ای مرد امن از ناتوانی و سگد پستی خود آگاهیم، زیرا خواسته کم کم، و یاران بولخ نام اندکند . ای هستی بخش کیتا، روی بدرگاه تو می آورم مانند دل داده که از دلبر خویش خواستار نظر لطف و محبت و جو نشستی سردی باشد، پروردگار را در پر تو قانون ازلی اش «راستی و پاکی» مرا از نیروی نیک اندیشی و محبت برخوردار ساز .

بند ۳

ای مردا کی سپیده دم نیک نختی بدر خواهد آمد و مردم جهان بسوی راستی پاکی روی خواهند آورد؟ کی نجات دهندگان بشربادانش و خرد و آموزشهای نوتر خویش مردم را از بهری خواهند کرد؟ و هومن، مظهر اندیشه پاک بچ کسی کرایش پیدا خواهد کرد؟ ای هستی بخش

من تنها، ترا بعنوان آموزگار و سرور خود برگزیده ام.

بند ۴

هواخواهان دروغ کوشش دارند پارسایان و پرہیزکاران را از شیرفت بسوی ہفتما
مقدس خویش یعنی راستی و درستی و آبادانی شہر و کشور باز دارند، آنها با کردار خصمانہ خود
بزشتی و تباہکاری مشہور اند، ای مزدکسی کہ با تمام نیرو و وجودش بر علیہ هواخواهان دروغ
پیکار کند او جهان آفرینش را براہ فرود دانش حقیقی رہبری خواهد کرد.

بند ۵

مرد دانا و توانائی کہ بنا بہ پستوریزی یا از راه مہر و عطف انسانی خواہستار
کلمت را خواہ از ہواخواهان راستی و یاد دروغ بگرمی پذیرا شود او پیرو راہ آشا بودہ و زندگیش
سرشار از راستی و درستی می باشد. ای ہستی بخش دانا، او بخردی است کہ با نیروی دانش
کمرہ را از تباہی و فیتی رمانیدہ و او را بخود شناسی و انگای نبین رہبری خواہد کرد.

بند ۶

ہر گاہ مرد توانا شخص تہہ کار را براہ راست ہدایت نکند بدام فریب ہواخواهان دروغ
خواہد افتاد. کسیکہ برای خواہان دروغ آرزوی فیروزی کند و بدنامیاری بخشد از ہواخواہان
دروغ بہار خواہد رفت و کسی کہ دست کرداران را دوست داشتہ بدان ارج مند در مرہ

”استودکات-۱ تا ۲۶“
پارسیان بحساب خواهد آمد. ای تہی بخش تکیا، این قانون ازلی را از زرتشتی باقی نہیں تفرزود

بند ۷

ہنگامی کہ ہواخواہ دروغ بکینند و نفرت ارادہ آزار من کند، ای مزد اہر فرغ میونی
و اندیشہ توجہ کسی از من پشتیبانی خواهد کرد؟ زمانی کہ این دو فرزند ہنسا دبا بیدار شدہ
و با ہم کارکنند ای تہی بخش، آئین راستی تجد کمال خواهد رسید پروردگار حقیقت بر این
آشکار و وجدانم را بہ این آموزش بیدار ساز.

بند ۸

کسی کہ اندیشہ آسب سازدن بہ تہی جان را در سر پروراند، بدہستی از کردار ہای زشت
او آسبسی بمن نخواہد رسید، بلکہ نتیجہ کردار زشت و نفرت او بخودش برخواہد گشت. کردار ہای
زشت و تہہ کارانہ او را از انجام کار نیک و شناخت زندگی کامل بازخواہد داشت و خشم
نفرت بیسوجہ او را ای مزد از زندگی کنت باری کہ نصیبش خواہد کردید مخط نخواہد نمود.

بند ۹

کیست آن را در مرد بزرگ و نختین آموز کاری کہ با آموخت ہما ترا ای پروردگار شایستہ ترین
ذات مورد تائیس شناسیم و ترا داد و در پاک کردار ما و سرور رستی بدہنیم؟ پروردگار ما کوشش
خواہیم کرد کہ در پرتو اندیشہ پاک از قانون ازلی اشاد اسرار ہستی پرده برداریم و آنچه کہ آفرینندہ

جهان از آئین راستی آشکار ساخته است آگاهی با بیم .

بند ۱۰

ای، پستی بخش دانا، از مرد و زن هر کس در این جهان آنچه را که تو بعنوان بستین
کار مقرر داشته ای بجای آرد، چنین شخصی از پاداش «آشاد شتر» که همانا نیردی معنوی و
خدمت ب مردم است و در پرتو اندیشه پاک بست توان آرد و برخورد از خواهد کردید . پروردگارا
من بآنان خواهم آموخت که تنها ترا پرستش نکنند و هنگام کم کردن از پل صفت آنان را
راه نمائی خواهم کرد .

بند ۱۱

کادین و کرپان «دیاشویان و شاهزادگان بت پرست» متحد شده و سعی میکنند با
کردار زشت و سیاه خود زندگانی معنوی مردم را تباها سازند ولی هنگامی که نزدیک پل صفت
رسند از روان و وجدان خود شرمسار شده و سختی و آزار بینند و برای همیشه مجبور به زندگی در
سرای دروغ خواهند شد .

بند ۱۲

هنگامی که خویشان و نوادگان نیر و مند فریانه تورانی بآئین راستی گردند و با عشق و

۱۱. زندگانی سرشار از راستی و پستی و پاکی و پرستشکاری . ۱۲. پل صفت یا پل صراط و پل اوری بین نیک و بد میباشد .

ایمان در میرفت زندگی بشرو آبادانی جهان بکشند آنگاه در تویش پاک فریانه مینمایند
 وجود آورده و آیین مزدالی که نوبخش رستگاری و خوشحالی است بر آنها آشکار خواهد گردید.

بند ۱۳

کسی که اشوزرشت اسپنمان را خشنود ساخته و او را در انجام مأموریت یاری کند
 مروی دست کردار و نیکو سیرت شناخته خواهد شد. همتی بخش دانا و یکجا بچنین شخصی بهترین
 زندگانی خواهد بخشید و پیرامون او از محبت دشمنش پاک سرشار خواهد شد. پروردگارا، او را
 به حکام با اشاء و هوخواه قانون راستی خواهیم ساخت.

بند ۱۴

ای زرشت کیت دوست در سپنکردار تو که هواخواه راستی است؟ چه کسی برای کتیش
 و نجیامی انجمن برادری «منع» کوشش خواهد کرد؟ این شخص همانا گستاخ کانی نیشا
 دلیر است. ای همتی بخش دانا بن پیام آسمانی ترا ببردم خواهم آموخت تا شایسته بارگاه
 تو گردیده و در سرای تو یعنی فردوس جای گزینند.

بند ۱۵

ای فرزندان هسپد و اسفستان اکنون شما چیزی را خواهم آموخت که شنیدن

۱. دستور راستی و پاک و هواخواه نظم و قانون. ۲. بچنین نگرانیست اسپنمان و نیای بزرگ اشوزرشت.

سپتیمت گات هات ۴۲ - بند۱

کسی که در پرتو خرد مقدس طبعی پاک اندیشه گفتار و کردارش نیک و راستی و درستی همانکند است
مردا او را با توانائی و مهر خویش به او رسائی و جاودائی خواهد بخشید .

بند ۲

کسی که در پرتو خرد مقدس به بسترین راه زندگی کند و گفتارش همراهین و از روی خرد باشد،
با دودش کارهای نیک را از روی ایمان انجام دهد، اندیشه اش تنها توجه یکبار پروردگار
خواهد بود و او را سر چشمه حق و راستی خواهد شناخت .

بند ۳

پروردگارا، برستی تو سر چشمه خرد «مقدس» هستی . این زمین شادی آفرین را تو آفریدی،
بنحالی که مردم بمش پان روی آورده و با او شورت کنند ای مردا تو بدناما آراش بخشی
و آرمستی «ایمان» را پشتیبان آنها قرار خواهی داد .

بند ۴

ای مردا بدکارانی که از خرد مقدس روی برتابند رخ بیند، ولی در سگردان هرگز چنین
نکنند . پروردگارا، مردم در پستکار را اگر هم کم درآمد و نادار باشند باید گرامی داشت، ولی
هو اخوا ان دروغ را چنانچه توانا و پر درآمد باشند باید خوار شمرد و از بدان بحساب آورد .

بند ۵

ای هستی بخش دانا ، نیکوکاران در تو خرد معدس تو از تیرین بخششالی که نوید داده
 شده است برخوردار خواهند شد ، ولی بهر تو شال حال بدکاران نخواهد گردید ، زیرا کردار آنها از این
 زشت سرچشمه گرفته و آسمان روشن روحان را ابر سیاه تبکاری پوشانیده است .

بند ۶

ای هستی بخش دانا ، در تو خرد معدس آذ فرزان خویش سر نوشت دگر گوینگان
 و بدان رتبعین پاداش دگفر آنها را ارزانی خواهی داشت پروردگار با افزایش فروغ
 ایمان در راستی و پاکی جویندگان حقیقت بومی تو گرایش پیدا خواهند کرد .



«سپندکات» هات ۴۸ بند ۱

سر انجام در روز شمار و پاداش ، هنگامی که راستی بر دروغ چیره گردد و هنگامی که پرده
 از روی ریاد فریب دوان و همدستان آنها برای همیشه برداشته شود ، آنگاه سائش ایمان
 بتو ای هستی بخش گسترش خواهد یافت و بار و بر خویشختی بار خواهد آورد .

بند ۲

پیش از اینکه کلمش در اندیشه ام آغاز گردد ، ای هستی بخش تجا ، مرا از دانستن

آگاه ساز، پروردگار امر اطمینان بخش که آیا شخص پارسا و پرهیزکار برپا خواهد دروغ و دغا
فیروز خواهد کردید؟ متلاشیت تو چنانست این بزرگترین فیروزی در زندگی شمار خواهد آمد.

بند ۲

همی بخش دانا و حسپه کنی بهترین آموزش را بروم دانا پارسانا خواهد آخت،
آموزشی که همه پاکان درو شنند لان و آموزگاران فلسفه عرفان از آن آگاهند یعنی
تهدا در تو فرود اندیشه پاک میوان ای مرد از دل باحتکان درگاه تو کردید.

بند ۴

پروردگار کسی که اندیشه اش نیک باشد، کردار و گفتار و وجدان او نیز نیک
یابدی خواهد گرانید. راهی را که اندیشه به آزادی اختیار کند اراده و ایمان نیز از آن
پیروی خواهد کرد و با آن هماهنگی خواهد داشت، بناجکت تو ای مرد اسر نوشت آنها
از هم جدا و تهایز خواهد بود.

بند ۵

ای آرمیتی گندار شهریاران شکرد بد رفتار بر حکومت کنند، بلکه بشود شهریاران
دادگر و با ایمان که دارای رفتار نیکو و دانش و خرد را همنامی آنهاست برافرازوالی
کنند. ای آرمیتی، پاکیزگی برای مردم از هنگام زایشش خدایند می شمار میرود. مایا

برای آبادانی جان و میرفت آفرینش کار کرده و هسنوعان خود را بسوی روشانی حقیقت رهبری کنیم.

بند ۶

براستی که او «آریشی»^{۱۱} پناهگاه خوبی برای ماست و با پایداری تن و سیروی روان که
از فرورنگان با ابرج منش پاک است خواهد بخشید. هستی بخش دانا و یکجا او «زمین» را با نگاه
دبزه بیاراست و از آغاز آفرینش برای مردم خوراک تهیه کرد. چنین است حکمت مزدا و تا چون
ازلی اش.

بند ۷

خشم و نفرت را از خود دور کنید اجازه ندهید اندیشه ای تان بخشونت وستم گرایش پیدا
کند. منش پاک و مهر و محبت و لبگی نشان دهید، راد مردان پاک سرشت برای گشایش هستی
و درستی پیوسته استوار خواهند ساخت و با او با ان حقیقت را بسوی هستی جایگاه تو ای اهورا که
منزله «راستان و پاکان» است رهبری خواهند کرد.

بند ۸

آرزوی من ای مزدا بر خور داری از سیروی منوی خسترای دوست! اولی خواست من
برای بر خور داری کسان و پیردغم از بخشش های تو ای هستی بخش یگانه بسیار زیاد تراست.

۱۱- آریشی، منظرش دایمان بخداد پاسبان زمین. ۱۲- نیروی منوی خسترای چریکی برهای منن خدمت بنوع «راه پیرت»

بشریوی تعالی میباشد.

پروردگارا، چقدر آرزو دارم در پرتو راهپستی و پاکی خود را به جانبازان فدا دار و بهرخواهان راه حق
آشکار سازی تا بایاری اندیشه پاک در پیشبرد کارهای نیک کوشا باشند.

بند ۹

چگونه بدانم که تو ای مزدا بر همه، حتی بر آنان که قصد آزار مراد از دشمنی می کنی، ای اش
روش نیک اندیشی و بهر ذی را برین آشکار ساز، پروردگارا، مزار نخه بر خورداری از نجاشی خویش
آگاه فرما، زیرا یک سوئیانت یا عمیر آسمانی باید از پاداشی که در انتظار است نیک آگاه گردد.

بند ۱۰

ای مزدایار نام برای کسش دین اهورانی کی خواهد آمد؟ پروردگارا، پلیدی دروغ و آرز
کی از پهنه گیتی بر انداخته خواهد شد؟ و سید ای که موجب میگردد کرپان های سیه کار مردم را
بفریند و شیراران پیشگرم با اندیشه های شوم بر کشور با حکومت کنند.

بند ۱۱

ای مزدا، راستی و پاکی همراه با عشق و ایمان بخدا کی بر سرانغان خواهند آمد و در پرتو حیرت نفس
توشتی دایمی بارمنان خواهند آورد؟ هنگام حمد سیه کار سگ و خونخوار چه کسی در برابر آنا ایستادگی خواهد کرد
و چه کسی از دانش و بنش و مومن بر خود خواهد شد؟

براستی سوشانت باور با نندگان کستی از دانش و پیش بر خود دار بوده، و طیفه خود را با الهام از منش پاک انجام خواهند داد. آنها که در شان از راستی و پاکی سرچشمه گرفته با آموزشهای توایی مزدا هم آهنگی دارد. آنان بدستی ازین برندگان چشم و نفرت پدید آورندگان مهر و آشتی میباشند.

هات ۴۹ - بند ۱

ای مزدای پاک بهیتا، بندو بزرگترین سدره من است و همیشه با گمراه کردن مردم احساس فرسندی میکند. ای بخشنده مهربان بسوی من آیی و مرا توانایی بخشش در پرورش منش پاک براد دست یافته و او را از گمراهی ربانی بخشم و از پاداش نیک برخوردار کردم.

بند ۲

بدستی رشتکارهای بندو مرا گمراه ساخته است، زیرا آموزشهای او جز دروغ و فریب و گمراه ساختن مردم و دور گنجه داشتن آنان از راستی و پاکی چیز دیگری نیست. او هیچگاه نسبت به پروردگار دلبستگی و ایمانی پاک و استوار نشان نمیدهد و محله ای ای مزدا با اندیشه پاک و ضمیر روشن توانی اندیشد.

بندو BENDVA کی از دشمنان سرخست است و زشت و از بت پرستان فریجار و نسنه انگیز و بدت گریها بود.

بند ۲

پروردگارا تو برای مردم باورد اشتن این آموزش را مقرر فرموده ای که راستی و تقاری
بخش و سودمند است و دروغ بگفت با روزیان آور. بنا بر این آرزو دارم که مردم بپند خود را با
اندیشه پاک استوار سازند و آئینش خود را با دروغ دهرها خوانان دروغ کافرا بکنند.

بند ۳

کج خردان بدانندیشان با زخم زبان خشم افزایند در شت و جد آئینزند و کارگران در سکارا
از کار باز دارند. این زشت کرداران گرایش به نیکوکاری نداشته و چنان بر بوع و نادستی
خو گرفته اند که دیوان ددانی انسان مارا مانند.

بند ۵

ای مزد کسی با خواست درون جانباری مین و جدان خود و منش پاک پیوستگی پذیرد
چنین کسی از عشق و ایمان بخداوند برخوردار و در پرتو راستی و درستی بزبور خرد آراسته خواهد گردید
سز انجام باد اشتن همه فرزگان معنوی ای اهورا در کشور جاودانی تو بسر خواهد برد.

بند ۶

ای مزدای اشا، خواستارم که مرا از اندیشه پاک و حکمت خویش آگاه سازید
تو حقیقت را با شناسم و دینی را بجانان آشکار سازم که از سوی تو ای هستی بخش الهام گردیده است.

پروردگارا بشود همه بهش پاک و دلی روشن بنجامم توجه کنند و از روی پاکی درستی
آزادگوش هوش بشوند . ای هستی بخش نجاشی که پیام مقدس ترا بر مردم می آموزم گواه باش
تا یاران و خودمانیها برابر قانون ایزدی زندگی کرده برای همکاران راهسما می نیکی باشند .

بند ۸

ای هستی بخش امانا ، به فرشته تر بهترین بخشش امانا که همانا پیوستگی در رسیدن به
پروردگارا است ارزانی دار و همین نجاشی را در مورد سایر مردم و پیروانم دریغ مدار .
بشود که در پر تو خشترا ، نیروی معنوی و تقدس بر مردم خدمت کنیم و از دستداران
تو باشیم .

بند ۹

خدمتگزارنی که برای ربانی مردم ارشاد آفریده شده است باید این دستور ایزدی را
گوش هوش بشود که شخص را پستگلو، بچگاه اندیشه آمیزش با دروغلویمان تبه کاران را
بخود راه نخواهد داد ، ای جانا سب حکیم کسانی که با دین ایمان و دارایی وجدانند با راستی

۱۱. در مورد یاران و خودمانیها و همکاران توضیحاتی که در زیر نویس بند اول ات ۳۲ ذکر شده است ملاحظه شود .

۱۲. فرشته تری از یاران بسیار دفا دار و صبی پر و برادر جانا سب بود .

و پارسانی پویستی داشته و سرانجام از بهترین پادشاه (یعنی بهشت) برخوردار خواهند شد.

بند ۱۰

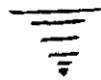
ای مرد با دود بآریخته منظر ایمان و فروتنی و خواستهای درون، این کوهرهای کوهها
یعنی روان نیک اندیشان و درست کرداران را برای نهداری تومی سپارم چو کله تومی تپیز بزرگ
و نیروی پایدار و جاودانی.

بند ۱۱

روان شهریاران شکر و بگرداران و رشت کهاران و سینه لان کج اندیشان به اخواهان
دروغ بدوخ یا سرای دروغ باز خواهند کردید زیرا ضمیمه روشن آنها رو پیر کی نماده است و از
روشنایی و حق دور گشته اند.

بند ۱۲

پروردگارا، آیا پرستندگان تو در پرتو آشا از کدام یاری برخوردار خواهند شد؟ آیا
زشت نیز در پرتو و بنوعی از گلهای تو بهره مند خواهند کردید؟ ای هستی بخش ما، با سرودی
شایسته ترا تسلیش کرده آرزو دارم آنچه را که در نزد تو گرامیترین است بمن ارزانی داری.



«سنتیگات» هات ۵۰ - بند ۱

آیا روانم پس از مرگ از یاد می‌چسبم؟ کسی بر خرد از خواهد شد؟ آیا هنگام گرفتاری کسی از من دیار من و پروانم نگهداری خواهد کرد؟ ای هستی بخش دانا، جز آشا، منظر اوستی پاکی و دوهومن، منظر منش پاک و روشندی یکلپس یکگرگی از گرفتاریم نخواهد گشود، البته گزافیت پاک بگفت خواسته شوند.

بند ۲

ای مزدا کسیک همیشه با ندیشه اینی و سود خویش است چگونه جهان خرمی بخش مهر خواهد ورزید؟ پارسیانی که برابر بنجار هستی و راستی پاکی زندگی میکنند در مکانی که از تو بخواهند تو در شان و منزلت دانا نیست برخواهند برد!

بند ۳

ای مزدا کسی که نیروی معنوی خسترا و دوهومن را بنمای او در زندگی است با آشا، خسترا حقیقت خواهد رسید همچنان یکدیگر در تو بنجاش ایزدی بر شرفت و آبادانی این جهان دست داشتنی که دروغ و ریافترا گرفته است بگفت کند از یاری آشا بر خرد از خواهد شد.

بند ۴

ای هستی بخش تیجا، با سرودهای تسایش تو و همچنین آشا، دوهومن خسترا را میسرتم و

۱۰۰. منظر اوستا ۱۰۱. منظر اوستی و پاکی و یکساندیشی و روشندی، نیروی معنوی و توانایی و چیرگی بر نفس.

خواستارم که در فرازین راه آسمان حقیقت کام نماده و به آوای حق که از دستداران تو
در کرمان برخواهد خاست گوش فرا دهم .

بند ۵

ای هستی بخش ناماد ای جلوه گاه راپستی و پاکی ، با مهر و محبت بسوی سرانیده سرودهای
آسمانی یا پیمبر خویش روی آرید و ماری و پستیانی خود را از او دینغ نذارید تا بتواند ما را بر دشمنانی
ابدی دوح شهنختی جادو دانی زنبهون کردد .

بند ۱

ای هستی بخش بزرگ ، ز رشت دوستدار آشا با آوای بلند ترا سایش کرده چنین
آرزوی دارم . پروردگارا همیشه زبانم را با نختار شیرین انیمشند بپله ساز و خردار انهام
کن . آفریدگار در پر تو نشن پاک مرار دستورهای اخلاقی بر خور دار ساز و الهام بخش .

بند ۲

ای پاسدار آزادی و تسایش نرا ، ای هستی بخش دانا ، با نماز و نیایش بدگاه تو را چونم
یافت ، در پر تو راپستی و منش پاک تو خواهم پوسیت . پروردگارا مرا از هر سبری فرما در کارنا
یاور و پستیانم باش .

بند ۸

ای هستی بخش دانا، با سرانیدن سرودهای موزون «گاتاها» که از شور و شوق دلم
برمیخیزد و باد سهای برافراشته بتوروی آورده خواستارم ای فردا چون دوستداری
با دفا و فردتن در پرتو راستی و پاکی دخی در گنجی آفرین دهنوسن تو نزدیکم کردم .

بند ۹

ای خداوند خرد و جلوه گاه راستی و دستی در پرتو کارهایی که از خرد و نیک نشی سرچشمه گشته با
سرودهای مقدس سالیس کنان بسوی تو باز خواهم گشت پروردگارا، با آگاهی از سزوست خویش با
شوق بسیار آرزو مندم تا از دانش و حکمت الهی برخوردار کردم .

بند ۱۰

پروردگارا بشود کارهایی که در گذشته انجام شده و آنچه در آینده از روی خرد و اندیشه پاک انجام
خواهم داد از دیدگاه تو شایسته بوده و مورد پسند و گاهت باشد، ای خداوند جان و خرد، تاملش جو سید
و روشانی سپیده دم با داد برابر بنجار هستی نمایاگر فرو شکوه توست .

بند ۱۱

ای مزدا، خداوند خرد، من تباریکر تو بوده تا زمانی که مراتب تو ان است براه راستی خواهم رفت تا
تو خواهم ماند. بشود که آفریننده جهان در پرتو منش پاک بترین آرزو خواست در شکر و اران پاک که مشرف و آبادانی جهان آساز
آسازده

خسترا، نیروی الهی و بخشی است بسیار ارجمند که چون بارانی ملام از عرش زمین میبارد،
 و خواسته ای درون جان با سخنان راه حق را در پرتو آتش بخت گذاری موم برخواهد بخشید.
 ای مرزا، پشت بانیکو کاری بست آید، پس برای همیشه در انجام کار نیک کوشا خواهیم بود.

بند ۲

خشت کردارهای نیک خود را تو ای خداوند جان خرد و آشا، جلوه گاه راستی پاک را بکنیم.
 و پس تو ای آریستی، جلوه گاه ایمان و عشق پاک، پروردگارا، مرا از نیروی مسنوی خود
 آگاه فرما و پرستندگان با وفای خود را در پرتو منش پاک رستگاری بخش.

بند ۳

به سخنان کسانی کوشش فرماید که با کردار نیک و گفتار راست و منش پاک ای تهی بخشند
 خواستار پیوستن تو هستند، کسانی که تو خود بخشیتن آموزگار و الهام بخش آنانی ای مرزا.

بند ۴

پروردگارا، مهربان از اندازد تو کجاست و کی رحمت و بخشایش تو پرستنده با وفا
 در برخواهد گرفت؟ راستی و درستی کجا می توان بست آورد؟ ایمان و عشق پاک بخدا را کجا می توان
 یافت؟ برترین منش را در کجا می توان جستجو کرد و نیروی شهبازی و سرور می ای مرزا از کجا چشمه میگیرد؟

بند ۵

«دو خوشترکات. ات ۵۱»

این پرش از رهبر در تکراری است که با فروتنی در پی انداختن دانشی شرف نیکو بوده و راه پیشرفت آفرینش را برابر با هنجار هستی مردم نشان دهد، رهبری که چون داری داد کرد و توانا از روی دانش و خرد راستی آموزد و نجشایش آورد.

بند ۶

خداوند جان و خرد در پر تو شهریاری خویش کنی که خواست او را بجای آورد و پیشرفت آفرینش کمک کند پاداشی بهتر از نیک بخشد، ولی کسی که خواست او را انجام دهد و برای پیشرفت آبادانی جهان کوشش ننماید در روز واپسین کجفر زشتی کردار خویش گرفتار گردد.

بند ۷

ای آفریننده زمین و آب و گیاه، ای مزدا، در پر تو خرد متعین خویش رسالی جادو انداز را بمن بخش. پروردگارا بمن توانائی و پایداری بخش و در پر تو منش پاک امورش ای ای بر من آشکار ساز.

بند ۸

ای مزدا، پیام آسمانی تو را من مردم دانا آشکار خواهم ساخت تا بدانچه سزوست شومی در انتظار در دنگویان و تبه کاران است و چگونه بر او امان راستی و نیکو کاران از خوشبختی

و سرانجام در نتیجه آموزشهای گمراه‌کننده خود نیز بسیاری دروغ یاد و نرخ اندر خواهند شد.

بند ۱۵

پاداشی را که زرتشت به معنان برادران دینی از پیش نوید داده است گزافان یا خانه سرود و تسایش و بهشت است، جایی که از روز ازل منزلگاه هستی بخش دانا بوده است. این پاداش را که چون بخش الهی است و تنها در پروانه‌نیش پاک را پستی بدست توان آورد بشما نوید میدهم.

بند ۱۶

در پروانه‌نوی معنوی انجمن برادری و سرودهای محبت که از منش پاک الهام گرفته است گوی گشتاب بان «پاداش» دست یافت و در پروانه‌نوی بر خوردار شد که منشی بخش دانا و پاک مقرر فرمود دانشی که ما را بسوی خوشبختی در ستکاری رسانمون گردد.

بند ۱۷

فرستاده بود که وجود منش را که عزیزترین حیر است در راه خدمت به سیرت دین بھی «مزدینا» شار کرد. بشود که هستی بخش دانا و توانا آرزوی او را بر آورد سازد تا به آشا دسترسی پیدا کرده و بدرک حقیقت نایل آید.

بند ۱۸

جاماسب دانا از خانواده بنو گوگو که خواستار روشنائی حقیقت است در توراستی
دانش الهی را برای خویش برگزید و در پرورشش پاک بنیروی معنوی دست یافت . ای
هستی بخش یکتا و ای خداوند دانا بخشش ای نامبرده را با ارزانی دار تا نسبت به تو
دلگیری پیدا کنیم .

بند ۱۹

مید یوماه از دو دمان اسپندان مردی است که با آگاهی کامل از دین مزدسنا
زندگانی خود را وقف مشیرفت آیین من کرد . او کسی است که کوشش دارد زندگی خود را
بمفهوم واقعی درک کند و آیین مزدار را با کردار و خدمت مردم بهتر به بیان بیاموزد .

بند ۲۰

ای آشا سپندان شاهجه مملک و به حکام نجش نیک با مردم ارزانی دار .
آیین راستی دپاکی و منش نیک را با بیامورید که عشق و ایمان بخدا در نهادمان افزایش
یابد . پروردگارا ما با قلبی آکنده از مهر ترا می پرستیم و خواستاریم به شادی و خوشحالی
جاودانی مزد او دست یابیم .

۱۰- «داره حکام و مملک همیشه بمفهوم آشا سپندان گرفته شده و در این بند نیز با نبودن واژه آشا سپندان مفهوم را داده است»

بند ۲۱

مرد با ایمان خدا شناس پارسا و پرهیزکار است؛ اندیشه و گفتار و کردار و وجدانش
به افزایش دگرش راستی گمگن خواهد کرد. در پرتو منش پاک و چیرگی بر نفس هستی بخش
دانای بهیمنیا نجاشین آغوشش را بنا ارزانی خواهد داشت. پروردگارا برای برخورداری از
این بخش نیک توری می آورم و آرزو استوارم.

بند ۲۲

کسیکه در پرتو راستی پاک و هرکاری را چون پرستش پروردگار انجام دهد؛ از دیدگاه
هستی بخش دانای بزرگ بهترین هستی با است. کسانی که در گذشته حال چنین بوده
هستند آنان را با احترام و بنام یاد کرده و کوشش خود را هم کرد با گردانیک به تمام دالای
آنها برسم.

۱. نجاشین ابورالی عبارتند از آراش اندیشه و وجدان در روشنائی ضمیر و نیش دل، نیروی اراده و
لی نیازی از خواسته دنیوی برخورداری ز خرسندی و خوشبختی سرمد.

همه خواسته های اشوزرتشت اسپندان بهترین و جوی بر آورده شده و اهورامزدا
 « هستی بخش دانا » او را از بهترین نجاشین برخوردار ساخته است ، بمنظری که یک
 زندگانی خرم و نیک و سراپا پارسائی برای همیشه باو عنایت فرموده و حتی کسانیکه
 با او دشمنی میوزیدند آموخته اند که باو احترام گذارند و در گفتار و کردار از زمین
 پیروی کنند .

بند۲

ایدن همه با اندیشه و گفتار و کردار بکوشید تا مزدرا خوشود سازید و هر یک
 انجام کار نیک را برای نیایش او برگزینید . کی گشتاب هواخواه زرتشت و
 میدیو ماه و فرسوشتر راه راست و دینی را اختیار کردند که از سوی اهورا به
 سوشیانت^۱ « نجات دهنده بشر » الهام و اسکار گردیده بود .

بند۳

ای پور و صیت اردو دمان ، بچند نپ از خاندان اسپندان ای جوان بر تن
 دختر زرتشت مزدا اهورا ، او را که بمنش پاک و راستی و پاکی دلگلی و ایمان دار و جوان

۱. - منظور از سوشیانت در این بند خود اشوزرتشت میباشد .

«بہنوایت گات - مات ۵۳»

سرور و مہر تو بخشید پس برو با خردت نیک ثورت کن، با عشقی پاک و آگاہی کمال رفتار نما.

بند ۴

من کسی را کہ بعنوان پدر سرور شش کران و خود مانیا کجا رده شده است دست خیم داشت
و ہمبیری می پذیرم، بشود کہ درین پارسایان زنی پاکدامن و شایسته باشم و از شکوه یک
زندگانی سراسر نیک منشی برخوردار گردم، بشود کہ مزدا اہور را مرا ہمیشہ از امورش باجی حکمانہ
دین بھی برخوردار سازد.

بند ۵

این سخنان را بنوعر و سان تازه دامادان میگویم، امید دارم اندر زم را بگوشش
بشنوید و با ضمیری روشن آرزای نیک در یابید و بخاطر بسپرد، ہمیشہ بانیک منشی و مہر محبت
زندگی کسبید و در راستی و پائی کوشش کنید از کد کرمی جوئید، چه بجان از زندگانی سرش
از خوشی و خور و شستی برخوردار خواهید شد.

بند ۶

ای مردان و زنان کوشش کنید باین حایق توجه داشته باشید، از دروغ کہ بمان
زندگانی مادی و وسوسہ انگیز است پرہیز کنید و از پیشرفت یاد فریب جلوگیری نماید، پونہ

۱۱، نظور پور و صیت دختر اشوزتشت می باشد.

«در پستی‌ت کات - ات ۵۳»

خویش را با دروغ بخلید و بدانید آن خوشی و سروری که از راه نادت و بدبختی و بیچارگی می‌آید
بست آید جز رنج و افسوس چیزی با رنج خواهد آورد و تبه کاران و دروغ پرستانی که در پی
تباہی دست‌کردار اند، برستی زندگانی معنوی و آرامش روحی خود را ازین خواهند برد.

بند ۷

بنحایی که باین آزادی و برادری پایی بند باشید و مادام که عشق و وفاداری ریشه در
دولمات‌های شایسته جوان (عروس و داماد) وجود داشته باشد، چه در این جهان و چه در
زندگانی دیگر از بهترین پاداش بهره‌مند خواهید شد، ولی هرگاه گرفتار روح پیدا همینی و
وسوسه‌های شیطانی شده و از آئین آزادی و برادری دست‌بردارید، پی آمد آن جز
رنج و اندوه با تک‌دینغ و افسوس خیر دیگری نخواهد بود.

بند ۸

براستی بگرداران تبه کاران سرانجام خوب نخواهد و مورد رنجند مردم هزارگفته
خود را سزانش خواهند کرد. بشود که در پرتو سبزی دست‌گردار و شہیاری دادگر زمان مردان
در دو دمان خویش در روستا از آرایش آسایش و صلح و آشتی برخوردار گردند، بشود که

ریا و فریب کاری که چون زنجیر انسان را بتپاهای می کشاند از پنجه گیتی برانداخته شود.
باشد که خداوند کتیا و بزرگت از همه بزودی بسوی ما آید.

بند ۹

کج باوران و بدیشان نسبت به نیکوکاران نفرت دارند و اشخاص محترم و با ارج را حوا
میشمارند، آنان بنده هومی و هوس اند، و دست کرداران بدمیده حقارت می گزیند، هر چند
بانهض خویش، ندام در کشتش و پیکارند. کیت آن سرور پر مهر کاری که در کمال آزادی با
تمام وجودش بابدکاران مبارزه کند، اسی مزدا تنها نیروی معنوی است که میتواند در پیشانی^۱
دست کار را یار و یاور باشد و به آنان نیکوترین پاداش بخشد.

(۱) در دیشان، اشخاص در بنیز کار و در استه ای می باشد که از سخا و آدی فقیرند ولی از سخا و سنوی ثروتمند.

به لطف ایزد دانا

ششم همراه یکنزار و سیصد و هشت هجری شمسی کتابت گاهتایا سرواژی آسمانی

با تمام رسید

۱۳۶۰ - نجله - کترین غلامعلی عطاریان